

The Shrine of Sultan Mir-Ahmad in Kashan and its Historical Evolution

Hamidreza Jayhani, PhD. * 

Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Mohammad Mashhadi Nooshabadi, PhD.

Associate Professor, Faculty of Literature and Foreign Languages, University of Kashan, Kashan, Iran

Farideh Farmanian Arani

M.Sc. in Architecture, Faculty of Architecture and Art, University of Kashan, Kashan, Iran

Received: November 7, 2021

Accepted: May 20, 2023

(Pages: 77-106)

Hamidreza Jayhani, Mohammad Mashhadi Nooshabadi, Farideh Farmanian Arani., 2024. The Shrine of Sultan Mir-Ahmad in Kashan and its Historical Evolution. *Soffeh* 34 (4): 77-106.

[DOI: 10.48308/soffeh.2024.105149](https://doi.org/10.48308/soffeh.2024.105149)

Abstract:

Background and objectives: This article aims to study the shrine of Sultan Mir-Ahmad and propose a perspective on its historical changes and transformations. The shrine is in the Sultan Mir-Ahmad neighbourhood on Alavi Street in Kashan, near the historic city walls and the Jalali Castle. This complex may have played a significant role in the development of the Sultan Mir-Ahmad neighbourhood. The earliest date observed in the architectural elements of the shrine is 923 AH (1517 AD), which

Keywords:

Kashan, Safavid Period, Imamzadeh, Historic Neighbourhood, Boqa of Sultan Mir-Ahmad.



SOFFEH

Soffeh Journal, Shahid Beheshti University, Vol. 34, Issue 4, No. 107, 2025  ISSN: 1683-870X

*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

*. Corresponding Author Email Address: h_jeyhani@sbu.ac.ir
<http://dx.doi.org/10.48308/soffeh.2024.105149>

is inscribed on remains of a wooden door. The dates from the same period can also be seen on the inscriptions of the dome and several other wooden doors. However, it is not clear exactly when the primary core of the monument was originally constructed and how it evolved. Additionally, the complex has undergone some interventions in recent decades. Understanding its original plan and spatial dimensions is essential before undertaking any further modifications.

Methods: This study applies a historical interpretive method, and the information gathered through surveys, field studies, and reviews of documents and historical texts. Initially, the study examines the architectural components of the shrine and related documents. Subsequently, by comparing the complex's plan and especially its main part with similar examples, efforts are made to represent the original core of the building.

Results and conclusion: The research indicates that the original core of the complex was a freestanding dome chamber situated within an old cemetery. After minor additions, it was expanded during the first half of the 10th century AH (16th century AD) into a more elaborate structure consisting of a central dome chamber surrounded by eight arches. With the growing importance of the courtyard and open spaces, the building underwent modifications in the early 12th century AH (18th century AD), during which the ivan and the courtyard were added, becoming significant parts of the shrine. During this period, some of the surrounding chambers were also demolished and reconstructed in a new way.

مطالعه زیارتگاه سلطان میراحمد کاشان و بررسی سیر تحول تاریخی آن

حمیدرضا جیحانی^۱

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

فریده فرمانیان آرانی^۲

محمد مشهدی نوش آبادی^۳

دانشیار دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

دریافت: ۱۶ آبان ۱۴۰۰

پذیرش: ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۲

(صفحه ۷۷ - ۱۰۶)

حمیدرضا جیحانی، محمد مشهدی نوش آبادی، فریده فرمانیان آرانی. «مطالعه زیارتگاه سلطان میراحمد کاشان و پیشنهادی برای سیر تحول تاریخی آن». فصلنامه علمی پژوهشی معماری و شهرسازی ص ۳۴ (۴): ۷۷-۱۰۶.

کلیدواژگان: کاشان، دوره صفوی، امامزاده‌های کاشان، محله تاریخی، زیارتگاه سلطان میراحمد.

چکیده

معماری بقعه بادشده و اسناد و مدارک مرتبط مطالعه می‌شوند و سپس ضمن مقایسه نقشه بنا با نمونه‌های مشابه، تلاش می‌شود طرح هسته اصلی شکل‌گیری بنا بازایی شود.

نتایج و جمع‌بندی: مطالعات صورت‌گرفته نشان می‌دهد که هسته اولیه بنا، شامل گنبدخانه‌ای منفرد، درون گورستان قدیمی شکل گرفته و پس از افزوده‌هایی جزئی، در نیمه اول سده ۱۰ ق توسعه یافته و به‌صورت بنایی مفصل و نه‌بخشی با گنبدخانه‌ای در میان هشت طاق پیرامونی درآمده است. با اهمیت یافتن صحن و فضاهای باز، در تغییراتی در اوایل سده ۱۲ ق، ایوان و صحن به بنا افزوده و بخش مهمی از بقعه گردیده‌اند. در همین دوره، برخی طاق‌چشمه‌های پیرامون گنبدخانه نیز تخریب و به‌صورتی جدید بازسازی شده‌اند.

مقدمه

بقعه سلطان میراحمد، که در محله‌ای به همین نام قرار دارد، از مسیر خیابان علوی و کوچه باستان ششم در دسترس است، در سال ۱۳۲۱ش و با شماره ۳۵۲ در فهرست آثار ملی به‌ثبت رسیده است.

اهداف و پیشینه: هدف در این مقاله شناخت بقعه امامزاده سلطان میراحمد و عرضه پیشنهادی برای سیری در تغییرات تحولات تاریخی آن است. این بنا در محله سلطان میراحمد در خیابان علوی کاشان و در نزدیکی حصار شهر تاریخی و قلعه جلالی واقع شده است. به‌نظر می‌رسد این بنا زمینه شکل‌گیری مرکز محله سلطان میراحمد بوده است. بقعه در سال ۱۳۲۱ش و با شماره ۳۲۵ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. قدیمی‌ترین تاریخی که در عناصر معماری بقعه مشاهده می‌شود به سال ۹۲۳ق بازمی‌گردد که بر روی قطعه به‌جامانده از دری چوبی نقر شده و تاریخ‌هایی در همین حدود زمانی بر روی کتیبه گنبد و چند جفت در چوبی دیگر قابل مشاهده است. باوجوداین، به‌طور دقیق روشن نیست که بنا در چه زمانی شکل گرفته و چگونه توسعه یافته است. علاوه‌براین، بنا در طول دهه‌های اخیر دستخوش برخی مداخلات گشته است. آگاهی از وضعیت اصیل و شناخت ابعاد فضایی آن پیش از انجام هرگونه مداخله‌ای الزامی است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش تفسیری - تاریخی انجام گرفته و اطلاعات از طریق پیمایش و مطالعه میدانی و رجوع به اسناد و مدارک و متون تاریخی گردآوری شده است. در این تحقیق ابتدا اجزا و عناصر

۱. نویسنده مسئول

h_jeihani@sbu.ac.ir

2. mnm5135@kashanu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد معماری، دانشکده

معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

farideh.farmanian@gmail.com

فصلنامه علمی معماری و شهرسازی؛ سال سی و چهارم، زمستان ۱۴۰۳، شماره ۴، پیاپی: ۱۰۷

*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

*. Corresponding Author Email Address: h_jeihani@sbu.ac.ir
<http://dx.doi.org/10.48308/soffeh.2024.105149>



پرسش‌های تحقیق

۲. شکل اولیهٔ زیارتگاه چگونه بوده و بنا چه ویژگی‌هایی داشته است؟
۲. قدمت قسمت‌های مختلف بنا به چه دورانی بازمی‌گردد؟
۳. چه تغییراتی در بنا صورت گرفته و چه عناصری به آن افزوده شده است؟

۴. ثریا بیرشک، «چگونگی روند توسعه و تکامل شکل‌گیری شهر کاشان در بستر تاریخ»، در مجموعه مقالات کنگرهٔ تاریخ معماری و شهرسازی ایران، ج ۳، ۱۳۷۵، ۳۹۵.

۵. علی شریف، راهنمای آثار و بناهای تاریخی شهرستان کاشان (کاشان: اداره فرهنگ و هنر کاشان، ۱۳۵۰)، ۳۱.

۶. نصرت‌الله مشکوتی، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران (تهران: سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی ایران، ۱۳۴۹)، ۲۶۱.

۷. حسن نراقی، آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۲)، ۱۲۲-۱۳۴.

۸. حسن نراقی، «بنای تاریخی تلگرافخانه»، مجله هنر و مردم، ش. ۲۹ (اسفند ۱۳۴۳): ۲۱.

۹. کامبیز حاجی‌قاسمی و همکاران، گنجنامه: فهرست آثار معماری اسلامی ایران، دفتر دوازدهم: امامزاده‌ها و مقابر (بخش دوم) (تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹)، ۲۵۶-۲۵۹؛ برای اطلاعات بیشتر نک: نراقی، آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز؛ نصرت‌الله مشکوتی، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران؛ علی شریف، راهنمای آثار و بناهای تاریخی شهرستان کاشان.

بنابر الگوی معمول، مرکز محله‌های دارای زیارتگاه در کاشان که در محله‌هایی همچون پنجه‌شاه و پاقپان و پیرامون زیارتگاه‌های پنجه‌شاه و میرنشانه قابل‌مشاهده است، این بنا و صحن و فضاهای مرتبط با آن در جایگاه مرکز محله‌اند و به‌نظر می‌رسد رشد و توسعهٔ این محدودهٔ شهری با مرکزیت بنای یادشده رخ داده است. باوجوداین، اطلاعات دقیقی از نحوه و زمان شکل‌گیری بقعه در دست نیست. بررسی عکس هوایی سال ۱۳۳۵ ش نشان می‌دهد که محوطهٔ باز وسیعی در شمال بقعه بوده است. بنابر بررسی‌های میدانی و آثار باقی‌مانده در حیاط بقعه و همچنین فضای اطراف بنای چهل‌دختران و سایر اطلاعات تاریخی، این فضای باز باید گورستان قدیمی محله باشد. در این عکس هوایی دیده می‌شود که زیارتگاه طوری در میان بافت شهری محله قرار داشته که با گورستان یادشده هم‌جوار بوده است و این در صورتی است که در بخش‌های وسیع گورستان هنوز توسعهٔ شهری رخ نداده است (ت ۵). علاوه‌براین، تغییراتی نیز درون بقعه و در فضاهای پیرامونی آن قابل‌شناسایی است، این تغییرات هنوز هم جریان دارد. طرح‌های توسعه و همچنین توسعهٔ فعالیت‌های مرتبط با زیارتگاه ممکن است بخش‌های اصیل بنا و یا بستر شهری اطراف آن را مخدوش کرده باشد. همچنین فضای شهری متصل به حیاط زیارتگاه آشفته است و خود بقعه نیز با توسعهٔ فضاهای تجاری و خدماتی پیرامون، از نقش مرکزیت محله فاصله گرفته است. هرگونه مداخله نیازمند آگاهی ما از هستهٔ اولیهٔ بنا و افزوده‌ها و تغییرات و تحولات بعدی در آن است. ازاین‌رو در مقالهٔ حاضر پاسخ به این پرسش‌ها مورد نظر است: شکل اولیهٔ زیارتگاه چگونه بوده و بنا چه ویژگی‌هایی داشته است؟ قدمت قسمت‌های مختلف بنا به چه دورانی باز می‌گردد؟ و دیگر اینکه، چه تغییراتی در بنا صورت گرفته و چه عناصری بدان افزوده شده است؟ هدف از این تحقیق شناسایی لایه‌های تاریخی مختلف زیارتگاه و بررسی نحوهٔ شکل‌گیری، توسعه، و سیر تحول آن است. در این تحقیق با به‌کارگیری روش تفسیری - تاریخی به بررسی متون، شواهد تاریخی، و آثار و کتیبه‌های موجود در بنا پرداخته می‌شود و برای یافتن پاسخ پرسش‌های یادشده، اطلاعات آگاهان محلی و شواهد و همچنین مستندات چون عکس‌های تاریخی و هوایی مطالعه می‌گردد.

مجموعه به همراه شرحی در معرفی بوده و با رجوع به نراقی، مشکوتی و شریف، قدمت برخی قسمت‌ها و بانیان و سازندگان آن بررسی شده است.^۹ علاوه بر این، وضعیت کلی مجموعه در سال ۱۳۵۳ مستندسازی شده و مدارک آن، به همراه توضیحاتی پیرامون خصوصیات و تحولات تاریخی مجموعه، در پرونده^{۱۰} ثبت اثر درج شده است.^{۱۱} در این مقاله ضمن مطالعه دقیق عناصر معماری مجموعه، پیشنهادی برای سیر تحول تاریخی بقعه عرضه می‌شود که تا به حال به آن پرداخته نشده است.

۱. نگاهی به وضعیت موجود

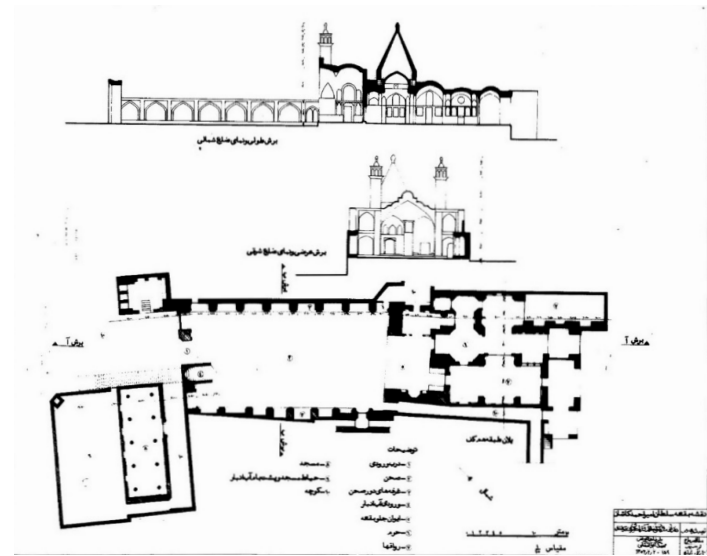
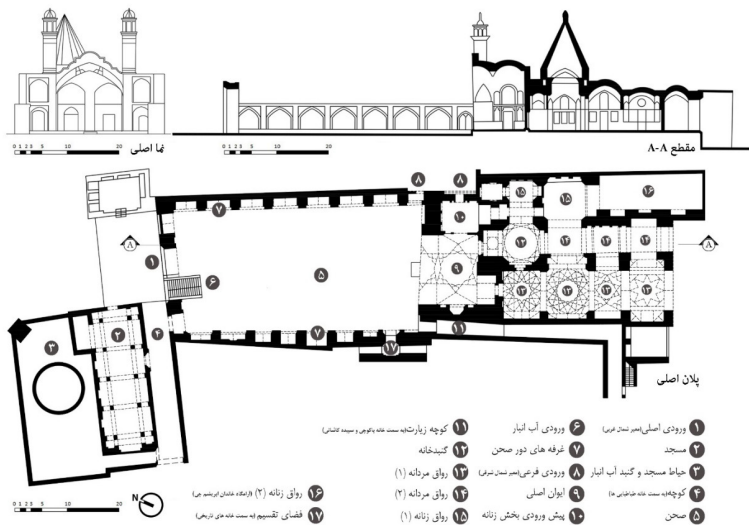
زیارتگاه سلطان میراحمد مجموعه‌ای در بردارنده بقعه، صحن، مسجد، و آب‌انبار است. در مدخل ورودی اصلی، مسجد و آب‌انبار قدیمی واقعند و با معبری که به خانه طباطبایی راه دارد، از صحن جدا می‌شوند (ت ۱). در جوار مسجد، گنبد آب‌انبار هست (ت ۱) و پلکان ورودی آن درون صحن زیارتگاه واقع شده و فعلاً روی آن به صورت موقت پوشانده شده است؛

ثریا بیرشک ضمن اشاره به موقعیت زیارتگاه سلطان میراحمد، آن را از جمله نمونه‌های متصل به محورها و راه‌های خروجی شهر برمی‌شمارد و در شکل‌گیری محله بااهمیتش می‌داند.^۴ در قدمت بنای اولیه و زمان شکل‌گیری آن محل اختلاف نظر است. برخی آن را متعلق به اوایل قرن ۷ ق می‌دانند که در دوره صفوی الحاقاتی به آن افزوده شده است^۵ و برخی معتقدند که بنای اولیه مربوط به دوره صفویان است.^۶ نراقی مجموعه و بخش‌هایی از جمله گنبد، گلدسته‌ها، ایوان، و متعلقات ساختمانی بقعه را معرفی و به ربوده شدن کاشی‌های نفیس ایلیخانی صندوقچه قبر در ابتدای سده حاضر اشاره کرده است.^۷ او یادآور شده که کتیبه‌هایی در این بنا از اوایل دوره صفوی و به‌ویژه از زمان شاه طهماسب باقی‌مانده است. به نظر می‌رسد در این دوره کاشان، به دلیل سابقه تشیع، مورد توجه پادشاهان صفوی از جمله شاه طهماسب بود تا جایی که او دستور داد همه بقاع را مرمت و تزیین کنند.^۸ همچنین در گنجنامه نقشه

۱۰. پرونده ثبت امامزاده سلطان میراحمد در فهرست آثار ملی به شماره ۳۵۲ و ۲۰ خرداد ۱۳۲۱

ت ۱.

راست: نقشه‌های مجموعه در سال ۱۳۵۳، ترسیم: محمد ابوالفضلی، دفتر فنی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران در کاشان؛
چپ: پلان، برش طولی و نمای اصلی وضع موجود بقعه سلطان میراحمد، مأخذ: حاجی قاسمی، گنجنامه، ۲۵۷-۲۵۸.



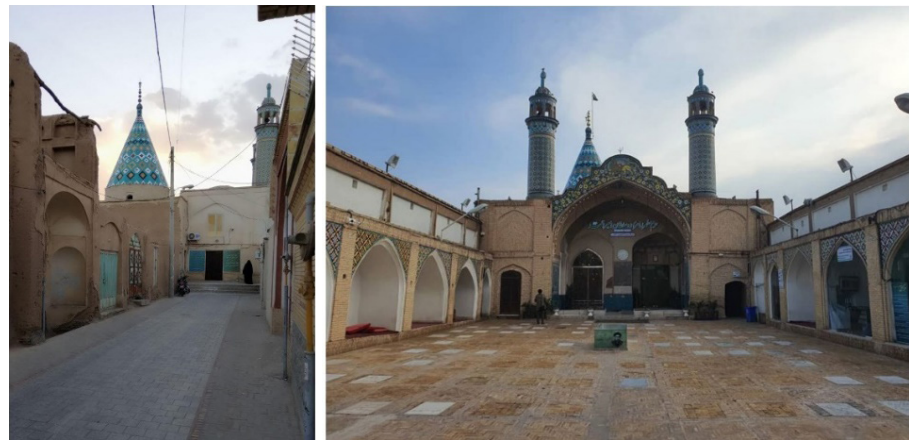
۱۱. در تعلیقات الهیار صالح بر کتاب تاریخ کاشان از متولی زیارتگاه سلطان میراحمد و او هم از پدر و جدش، که همه از متولیان بودند، همه نقل کرده‌اند که این امامزاده فرزند موسی میرق و نوه امام محمدتقی^(ع) است (عبدالرحیم کلانتسر ضرابی، تاریخ کاشان (مرات القاسان)، تصحیح ایرج افشار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸)، ۵۵۸.

ت ۲. سمت راست؛ صحن اصلی (ورودی شمالی) و ایوان امامزاده سلطان میراحمد در سال ۱۳۹۹، سمت چپ؛ ورودی شرقی از سمت کوچه حنیف‌زاده در سال ۱۳۹۶، عکس‌ها؛ فریده فرمانیان آرانی.

بنابراین از آب‌انبار استفاده نمی‌شود. بقعه دارای دو ورودی است (ت ۲)؛ آنکه اصلی‌تر است در سمت شمال و دیگری در شرق مجموعه واقع شده و به قسمت زنانه راه دارد. ورودی اصلی متصل به صحن است و در انتهای صحن یادشده نیز ایوانی وسیع هست که از طریق آن می‌توان وارد بقعه شد (ت ۲).

طاق‌نمایی در حیاط زیارتگاه و در دو سمت صحن و در بر دیوارهای جوانب شرقی و غربی صحن الحاق شده‌اند (ت ۲). گنبد رک زیارتگاه که دوازده ترک دارد، با کاشی منقوش پوشیده شده است و درعین‌حال از محور میانی ایوان و صحن فاصله دارد و به سمت شرق متمایل است (ت ۸). بر فراز ایوان نقش شیروخورشید دیده می‌شود (ت ۹). سنگ قبرهای متعددی در کف آجری حیاط وجود دارند و یکی از آنها متعلق به سیدخلیل‌الحسینی الکهری الکاشانی فقیه فرزند آقامیرسیدمحمد است، که ارتفاعی بلندتر از سایر قبرها دارد.

سمت غرب ایوان اصلی، کوچه‌ای باریک و مسقف و کم‌ارتفاع که زیارت نام دارد (ت ۲) به خانه باکوچی (موزه پژوهشی مردم‌شناسی کاشان) و سپس کوچه قلعه جلالی راه می‌یابد (ت ۵). سمت شرق ایوان اصلی نیز در کوچکی مخصوص ورود زنان تعبیه شده است (ت ۲). دیوار انتهایی ایوان اصلی



دو درگاه دارد (ت ۲)؛ درگاه شرقی پنجره‌ای فولادی و مشبک روبه‌روی ضریح دارد و برای زیارت از سمت حیاط است و درگاه غربی نیز دربردارنده دری چوبی برای ورود به بقعه است. درگاه دربردارنده پنجره فولادی کوچک‌تر است؛ هرچند قاب بزرگ‌تری دور پنجره دیده می‌شود که هم‌اندازه درگاه ورودی است. این دو درگاه و قاب دور پنجره فولادی با وضعی متقارن درون ایوان بقعه قرار گرفته‌اند. زیارتگاه در حال حاضر متشکل از رواق‌هایی است (فضای ۱۳، ۱۴، و ۱۵ در «ت ۱») که به گنبدخانه متصل هستند. درون گنبدخانه و در نزدیکی صحن ضریح فولادی جدیدی نصب شده است.

در «ت ۱» نقشه زیارتگاه و وضع موجود آن دیده می‌شود. بر این اساس، بخش مرکزی زیارتگاه گنبدخانه‌ای است که از سمت شمال از طریق ایوان به صحن اصلی راه دارد و از سوی شرق به رواقی موسوم به شبستان زنانه (فضای ۱۵ در «ت ۱») متصل است. در سمت جنوب و غرب گنبدخانه نیز رواق مردانه (فضای ۱۳ و ۱۴ در «ت ۱») قرار دارد. در منتهی‌الیه جنوبی رواق‌های مردانه دو درگاه هست که به حیاط پشتی امامزاده راه دارند؛ هرچند فعلاً دسترسی به حیاط از این درگاه‌ها امکان‌پذیر نیست. تفاوت ارتفاع هر رواق نسبت به سایر بخش‌ها و هندسه غیرمنظم پلان بنا، نشان از ساخت و توسعه تدریجی بقعه دارد. مقایسه نقشه سال ۱۳۵۳ش سازمان میراث فرهنگی و نقشه وضع موجود، تغییرات چندانی را در سال‌های گذشته نشان نمی‌دهد (ت ۱). فقط در ضلع شرقی بقعه، پیش‌ورودی بوده که از بین رفته و عبورومرور از دری که در آن سمت واقع شده، صورت نمی‌گیرد. از طرفی، یکی از طاق‌نماهای حیاط در همان ضلع را نیز تخریب کرده‌اند تا رفت‌وآمد از کوچه‌های باستان دهم و حنیف‌زاده به حیاط امامزاده میسر شود. گزارش و عکس‌های پرونده ثبت از صحن و ایوان بنا در سال ۱۳۲۱ش نشان می‌دهد که درگاه سمت چپ درون ایوان اصلی، که قرینه

۱۲. در این شجره‌نامه، میراحمد فرزند ابوالحسن موسی و نواده ابوعبدالله احمد نقیب (و ۳۵۸) از نقیبان قم و کاشان ذکر شده که با ۶ واسطه به امام محمدتقی (جواد) می‌رسد (سیدحسین اعظم واقفی، میراث فرهنگی نطنز (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۶)، ۴۴۵-۴۵۲). البته همه موارد ذکر شده محتاج بررسی علمی است.

ت ۳ (راست). نمای اصلی بنای امامزاده سلطان میراحمد در سال ۱۳۲۱، مأخذ: سازمان میراث فرهنگی، تصاویر ضمیمه گزارش ثبت بنا امامزاده سلطان میراحمد، ۳۱ خردادماه ۱۳۲۱.

ت ۴ (چپ). گنبد و گلدسته‌های امامزاده سلطان میراحمد در دهه ۶۰ هجری شمسی، عکس: علیرضا بنی‌علی، مأخذ: کتابخانه ملی ایران.

زیارتگاه سیدجلال‌الدین مهدی در روستای تکیه سادات نطنز، از شخصی به نام امیرنظام‌الدین احمد ملقب به ابوعبدالله احمد نام برده شده که حسین اعظم واقفی وی را همین سلطان میراحمد دانسته و تاریخ ولادت وی را ۳۷۲ق ذکر کرده است.^{۱۲} پذیرش این دیدگاه نیازمند اسناد قوی‌تری است؛ اما پیشوند سلطان برای میراحمد همانند زیارتگاه‌های سلطان عطابخش و حبیب موسی^{۱۳} می‌تواند نشان‌دهنده مرتبه اجتماعی و جایگاه سیاسی و حاکمیتی ایشان باشد. به بیان دیگر، ممکن است این شخصیت‌ها در دوره حیات، منصبی همچون نقابت شیعیان شهر یا منطقه و یا حکومت کاشان را داشته و به‌خاطر این جایگاه و نسب سیادت مورد اقبال بوده‌اند.

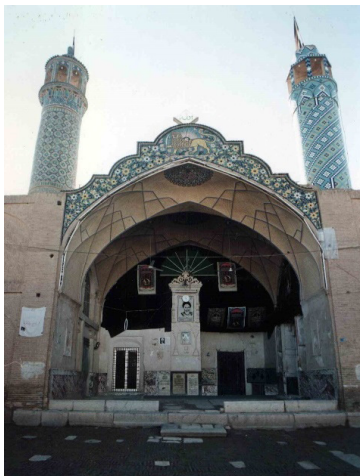
اگرچه در عکس هوایی سال ۱۳۳۵ش، زیارتگاه در جنوب محوطه باز بزرگی، که گورستان است، واقع شده و از همه سو به بافت شهری متصل نیست (ت ۵)، اما بررسی این عکس نشان می‌دهد که بقعه علاوه بر محوطه باز گورستان در شمال از طریق کوچه حنیف‌زاده و امتداد آن در سوی غربی زیارتگاه (کوچه زیارت) در دسترس است. امتداد یادشده در جنوب غربی بقعه به کوچه قلعه جلالی (کوچه چهاردهم) نیز متصل می‌شود

درگاه سمت راست است، شامل یک در چوبی و سه طاق‌نمای کوچک در بالای آن بوده است (ت ۳). این بخش تغییراتی کرده و اگرچه رد درگاه قرینه با ایوانچه درگاه واقع در سمت راست ایوان اصلی قابل تشخیص است، اما یک در مشبک و فولادی جانشین آن شده است (ت ۴). بنابر «ت ۳»، طاق‌نمای سمت چپ نما که با درگاه کوچه زیارت قرینه است و امروزه رفت‌وآمد به بخش زنانه از آنجا صورت می‌گیرد، هنوز تخریب نشده است. در داخل ایوان اصلی و روبه‌روی محراب گچی نیز چارچوب دری در دیواره شرقی وجود داشته که اکنون پوشانده شده است (ت ۳).

گلدسته‌های بقعه در دهه ۱۳۶۰ش دارای کاشی‌های متفاوتی به‌لحاظ نقش و طرح بودند که در مرمت دهه‌های اخیر یکسان شده‌اند (ت ۴). از دیگر تغییرات صورت‌گرفته در بنا، آینه‌کاری زیر گنبد و دیوارهای آن، تعمیر ازارها و رواق‌ها و افزودن کاشی‌های آبی شش‌ضلعی در سال ۱۳۸۲ و جانشینی ضریح چوبی منبت با ضریح فولادی است. پیش‌ازین، ازاره‌های رواق مردانه واقع در سمت غربی گنبدخانه دربردارنده کاشی‌های هفت‌رنگ صفوی بودند که متأسفانه در سال ۱۳۹۹ش، با تصمیم هیئت امنا، با کاشی‌های شش‌ضلعی جایگزین شدند.

۲. مطالعه بقعه بر اساس متون و اسناد و مدارک

این زیارتگاه در میان مردم به سلطان میراحمد شهرت دارد که، مانند بسیاری از زیارتگاه‌های ایران، او را به فرزند امام موسی کاظم نسبت می‌دهند.^{۱۱} اما می‌دانیم که بسیاری از این سادات از آن حیث که از نسل موسی کاظم بوده‌اند، با تسامح، فرزند مستقیم و بلافصل او تلقی شده‌اند که البته با واقعیت‌های تاریخی ناسازگار است. در تذکره موجود در



۱۱. فصلنامه علمی معماری و شهرسازی؛ سال سی و چهارم، زمستان ۱۴۰۳، شماره ۴، پیاپی: ۱۰۷.

مطالعه زیارتگاه سلطان میراحمد کاشان و بررسی سیر تحول تاریخی آن: حمیدرضا جیحانی، محمد مشهدی نوش‌آبادی، فریده فرمانیان آرانی

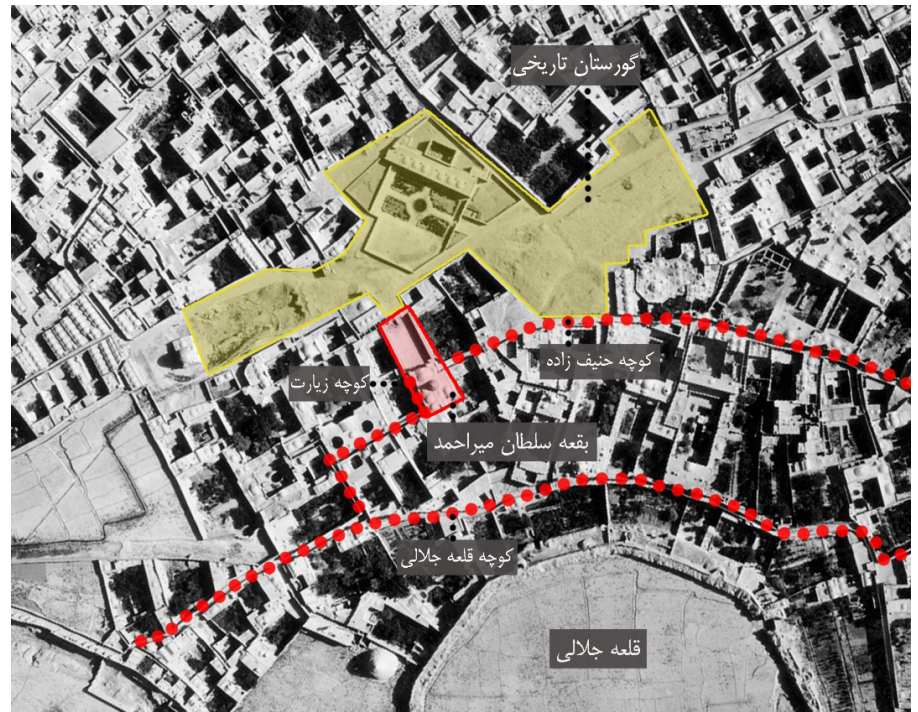
۱۳. ضرابی، تاریخ کاشان، ۴۳۰ و ۴۳۱

ت ۵. بقعه سلطان میراحمد در جنوب گورستان تاریخی و کوچه‌های منتهی به آن در سال ۱۳۳۵، طرح: نگارندگان، روی عکس هوایی سال ۱۳۳۵؛ مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور.

ت ۵). بر این اساس و با توجه به عناصر وابسته، بقعه شکل یک مجموعه را یافته است. به بیان دیگر، موقعیت شهری آن در ترکیب با عناصر معماری پیرامون بقعه تعریف شده است. در قلب این مجموعه، گنبدخانه بقعه و رواق‌های متصل به آن واقع شده است (ت ۱). وضعیت این رواق‌ها نشان از آن دارد که تغییراتی در این محدوده بلافصل صورت گرفته است؛ از جمله در خود گنبدخانه اصلی که، در وضعیت فعلی، پایه‌هایی بیش از اندازه نازک دارد (فضای ۱۲ در «ت ۱»). در ادامه لازم است همه عناصر مهم مجموعه بررسی و مطالعه شوند تا نقش و جایگاه آنها مشخص و سیر تحول و تغییرات مجموعه نیز روشن شود.

۱.۲. گنبد بقعه

زیارتگاه دارای گنبدخانه‌ای مربع‌شکل با گنبدی دوپوسته است که درون آن قبر و ضریح قرار دارد (ت ۶). پوسته داخلی طاقی دارای رسمی‌بندی ساده است که در دهه‌های اخیر آن را با آینه‌کاری پوشانده‌اند. پوسته خارجی نیز گنبد رکی با دوازده ترک است (ت ۶). این دو پوسته بر روی چهار پایه‌ای قرار گرفته‌اند که هیچ‌کدام شبیه دیگری نیست و این احتمالاً نشان از تراشیدن و برداشتن بخش‌هایی از پایه‌ها دارد (ت ۶). بالاترین نقطه گنبد در ارتفاع ۱۱ متری از سطح زمین قرار دارد و گنبد بر روی یک گریو ۱۲ ضلعی به ارتفاع ۲/۲۰ متر از سطح بام واقع شده است. گنبد با کاشی فیروزه‌ای تزیین شده است و رنگ‌های سفید و زرد و مشکی نیز دارد (ت ۶). تزیینات گنبد شامل طرح‌ها و اشکال هندسی و کتیبه است. گریو گنبد آجری و فاقد تزیینات است و سه گشودگی در سمت شمالی، شرقی، و جنوبی آن دیده می‌شود. گشودگی‌های شمالی و جنوبی مشبکند (ت ۶) و در گذشته که احتمالاً گنبدخانه پایه‌ها یا جرزهای عریض‌تری داشته و فضای بسته‌تری بوده، نور آن را تأمین می‌کرده‌اند. گشودگی شرقی برای دسترسی به فضای میان دو پوسته گنبد است؛ البته ردی از گشودگی در سمت غربی گریو گنبد وجود دارد که احتمالاً به‌خاطر افزوده شدن رواق مردانه (فضای ۱۳ در «ت ۱») و با ارتفاعی بیش از اندازه اولیه، پوشانده شده است. بر روی یکی از اضلاع گریو کتیبه‌ای به طول یک متر و عرض ۳۵ سانتی‌متر نصب شده که بخشی از آن فروریخته است (ت ۶). این کتیبه یادمانی نفیس است که با ظرافت تمام به‌صورت کاشی معرق و در زمینه لاجوردی و با خطوط فیروزه‌ای ساخته شده و اشاره به عمارت گنبد زیارتگاه دارد (ت ۶). آجرکاری اطراف کتیبه حکایت از آن دارد که کتیبه بعدها در میان آجرها جاسازی شده است و نسبت به بدنه گریو متأخرتر است. بخش زیادی از کتیبه نابود شده، اما برخی کلمات



۱۴. نراقی، آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز، ۱۳۲
۱۵. همان.

ت ۶ گنبد بقعه سلطان میراحمد، پلان گنبدخانه، نقوش کاشی گنبد، کتیبه با تاریخ ۹۴۱ق و بزرگ‌نمایی واژه «بعمارة»؛ عکس‌ها، تطبیق و پژوهش: نگارندگان.

به گنبد نزدیک‌تر است (ت ۸). در بالاترین بخش گلدسته‌ها مأذنه‌ای است (ت ۸). با توجه به گفته نراقی گلدسته‌ها احتمالاً از دوره قاجار دارای کاشی کاری یکسانی بودند (ت ۳)، اما در حدود دهه ۱۳۶۰ش نقوش متفاوت کاشی دو گلدسته ثبت شده است (ت ۴). گلدسته شرقی دارای زمینه‌ای آجری با نقوش هندسی هشت‌ضلعی است که داخل هر هشت‌ضلعی، به نقوش چلیپایی و فیروزه‌ای‌رنگ مزین شده است (ت ۸). این نقوش در سطح بدنه استوانه‌ای شکل گلدسته تکرار شده‌اند. پیش‌از این، گلدسته غربی دارای خطوط ماریچ سفیدرنگ بوده و داخل هر ماریچ، نقوش چلیپایی سیاه، سفید، و زرد مشاهده می‌شده است (ت ۴). در تعمیرات دهه‌های اخیر، کاشی کاری این گلدسته تغییر کرده و شبیه به گلدسته دیگر شده است (ت ۸).

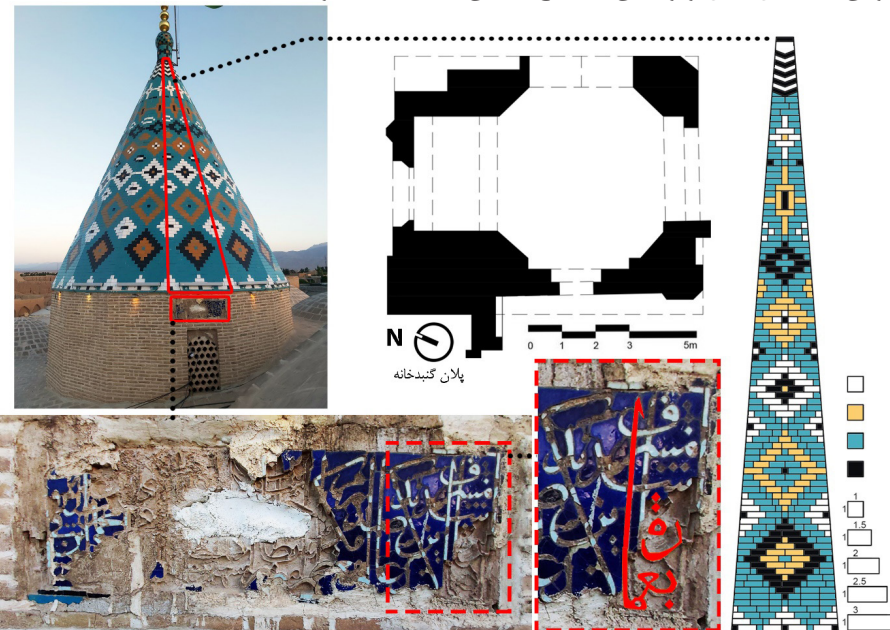
۲.۳. ایوان

ایوانی مستطیل شکل و وسیعی در ضلع شمالی بقعه زیارتگاه و

را می‌توان از داغی به‌جامانده از کاشی‌های فروریخته تشخیص داد. گویا حسن نراقی نیز کتیبه را به‌صورت آسیب‌دیده مشاهده کرده و توانسته است بخشی از آن را بخواند: «... مشرف شدند این گنبد عالی صدر مکرم و معظم امیر نظام بن حسین بن ... کاشانی ... فی ۹۴۱». با گذشت بیش از نیم‌قرن از خوانش نراقی، امروز کتیبه به‌سختی قابل‌خواندن و تشخیص است و بخش میانی آن از بین رفته، اما با توجه به کاربرد فعل جمع «مشرف شدند»، احتمالاً در این کتیبه به نام دو نفر اشاره شده است؛ یکی از آنها نظام‌الدین و دیگری فردی است که از نام خودش یا پدرش، کلمه «محمد» بر جای مانده است. با توجه به تاریخ ۹۴۱ق که بر دری از زیارتگاه نیز نقر شده و بانی آن «مظفرالدین مسعود بن الخواجه قوام‌الدین محمد» بوده است و از او با عنوان صاحب اعظم یاد شده، محتمل است که شخص دوم مورد اشاره در کتیبه همین فرد باشد. با توجه به آجرکاری اطراف کتیبه می‌توان چنین اظهار داشت که ساخت گنبدخانه به سال‌هایی پیش از تاریخ یادشده بازمی‌گردد. به‌هرروی این کتیبه نفیس، که بر اساس کاشی‌های باقی‌مانده و رد ملاط پشت آن به‌صورت «مشرف شدند بعمارت این گنبد عالی صدر مکرم معظم امیر نظام‌الدین بن ... اردستانی ... قوام‌الدین (?) محمد ... فی سنه ۹۴۱» خوانده شد، نیاز به مرمت و مراقبت دارد تا بیش‌ازاین آسیب نبیند.

۲.۲. گلدسته‌ها

این بنا دارای دو گلدسته آجری هم‌اندازه است که سطح آن‌ها کاشی پوشیده شده و ارتفاعشان کمی از گنبد کوتاه‌تر (ت ۸) و از سطح بام ۶ متر است. نراقی اعتقاد دارد که کاشی کاری گلدسته‌ها و پیشانی ایوان مربوط به دوره قاجار است.^{۱۵} این گلدسته‌ها بر فراز ایوان ورودی قرار گرفته‌اند (ت ۸). با توجه به اینکه گنبد و ایوان بقعه هم‌محور نیستند (ت ۷)، گلدسته شرقی



۱۶. وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ (۵۱) وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (۵۲)

ت ۷ (راست). نسبت گنبد با گلدسته‌ها و آکس میانی بنا، طرح: نگارندگان، بر روی عکس هوایی دهه ۱۳۷۰ از محله سلطان میراحمد؛ عکس: جاسم غضبان پور، مآخذ: سازمان عمران و بهسازی شهری.

ت ۸ (میان). گلدسته‌های امامزاده سلطان میراحمد، عکس: فریده فرمانیان آرانی.

ت ۹ (چپ). کاشی کاری نقش شیر و خورشید روی پیشانی ایوان اصلی و کاربندی سقف ایوان، عکس: فریده فرمانیان آرانی.

در جنوب صحن هست (ت ۱۰). این ایوان از فضای گنبدخانه عریض‌تر است و هر دو عنصر گنبدخانه و ورودی اصلی بقعه در عرض ایوان جای گرفته‌اند (فضای ۹ در «ت ۱»). از این رو محور میانی دو فضای ایوان و گنبدخانه در راستای یکدیگر نیستند (ت ۷). با توجه به محل قرارگیری ایوان و شکل و نحوه ساخت آن، می‌توان حدس زد که این عنصر متأخرتر از گنبدخانه بوده و بعدها به بقعه افزوده شده است. بر فراز ایوان و روی پیشانی آن، تزیینات کاشی کاری شده با زمینه فیروزه‌ای رنگ دیده می‌شود (ت ۹) که شامل نقش شیروخورشید در مرکز و نقوش گیاهی گل‌دار با ساقه مشکی و گل‌های زرد و سفید و برگ‌های زرد، صورتی، و مشکی است. علاوه بر این، بوته‌های گل کوچک‌تری هم قابل مشاهده است (ت ۹).

ایوان بقعه فضایی وسیع و شامل بخش‌های گوناگون و دو در است (ت ۱۰). در چوبی سمت راست که نقش در اصلی بقعه را دارد و در میان درگاهی در نیمه غربی دیوار انتهایی ایوان قرار گرفته، اندکی داخل نشسته است و سقف آن نیز تزیینات گچی دارد (ت ۱۰). این در قدیمی نیست و روی آن حک شده که از سوی آستان حرم حضرت معصومه^(س) به این بقعه اهدا شده است. این در به رواق مردانه راه دارد. دیگری، در فلزی

مشبک واقع در سمت چپ ایوان است که در قاب بزرگ‌تر متقارن با درگاه دربردارنده ورودی اصلی بقعه قرار گرفته و در پشت آن ضریح امامزاده دیده می‌شود (ت ۱۰). تقارن این دو درگاه نسبت به دهانه ایوان نشان می‌دهد که این ترکیب دودخانه‌ای هم‌زمان با ساخت ایوان تنظیم و به این شکل شده است. سقف ایوان به کاربندی‌های آجری مزین است (ت ۹). بلندی مرتفع‌ترین بخش ایوان، که در مرکز آن واقع شده، از سطح زمین ۸ متر است. در میانه ایوان قاب گچ‌بری رنگی کتیبه‌داری دیده می‌شود (ت ۱۱) که به نظر می‌رسد، به نسبت گنبدخانه، متأخر است و در کنار آن نیز قطعه‌ای از گچ‌بری رنگی با نقوش گل‌بوته دیده می‌شود (ت ۱۱) که در سال ۱۳۸۲ از زیر لایه ضخیمی از گچ بیرون آورده شده و آن را با عنوان شاهد به همین صورت نگه داشته‌اند. دورتادور کتیبه مستطیلی که با پوششی شیشه‌ای محافظت می‌شود، آیات مبارک ۵۱ و ۵۲ سوره قلم^{۱۶} و ۴۱ سوره فاطر^{۱۷} دیده می‌شود. چند کلمه آخر این کتیبه، که منتهی به تاریخ ساخت آن می‌شده، از بین رفته اما در انتها، تاریخ ۱۱۴۵ ق باقی مانده است. در بخش میانی نیز دعای «ناد علی» و در جانبین آن ابیاتی نوشته شده که اشاره به ساخت این اثر و بانی آن، محمدقاسم، دارد و به تاریخ مرمت



بنا به صورت ماده تاریخ اشاره شده است:

محمد قاسم از لطف الهی / مرمت کرد این عالی بنا را
پی تحصیل سالش از ره صدق / ز جا برداشتم دست دعا را
پس تذکار از اتمام او آگه نمودم / به تاریخش دل بی مدعا را
هماندم زد رقم بر لوح ایام نام؟ / که «او بنمود تعمیر این بنا را»^{۱۸}
با توجه به این ابیات به نظر می‌رسد که محمدقاسم در سال
۱۱۴۵ق بنا را مرمت و ایوان را هم‌زمان با این تعمیر احداث
کرده و هم‌زمان، موضوع مهم مرمت بقعه بر کتیبه واقع بر
دیوار انتهایی ایوان درج شده است. هرچند روشن نیست که آیا
ایوان ساخته شده در حدود ۱۱۴۵ق همین ایوان فعلی باشد، اما
می‌توان دریافت که کتیبه رنگی تزئین شده در فضای مسقفی
بوده، پس ایوانی در این زمان به بنا افزوده شده است. سقف
ایوان در بخش میانی، دارای آجرکاری زیبایی است (ت ۹) و در
قسمتهایی از سقف تا پای قوس‌ها نوارهای گچی روی آجر نما
کار شده است. گرچه به نظر این سبک تزئینی جدیدی می‌آید،
اما در جانب راست ایوان و بر روی دیوار غربی آن، کتیبه‌ای از
سال ۱۲۸۱ق مشاهده می‌شود (ت ۱۳) که در قرینه کتیبه دیوار
سمت چپ جای دارد و از این رو به صورت چپ‌نویسی اجرا شده

است. در کتیبه چپ‌نویسی شده عبارت «عجلوا بالتوبه قبل الموت
۱۲۸۱» درج شده که انجام تعمیراتی را در این بخش از بنا، در
دوره قاجار، نشان می‌دهد. ازاره‌های ایوان پوشیده از کاشی‌های
معرق فیروزه‌ای شش‌ضلعی است (ت ۱۳) که در فضاهای
داخلی زیارتگاه نیز ادامه یافته و ارتباط به سال‌های اخیر دارد.

۱.۳.۲. ایوانچه ورودی

ایوانچه ورودی واقع در ایوان اصلی بقعه دارای ارتفاع و عرضی
برابر با ۵/۵۰ و ۳/۳۰ متر و سقف‌سازی ثانویه از نوع کاربندی
است و تاریخ ساخت آن احتمالاً به تاریخ مرمت سال ۱۱۴۵ق
توسط محمدقاسم، که پیش‌تر اشاره شد، ارتباط دارد (ت ۱۲).
نقاشی‌هایی بر روی سطوح گچی این ایوانچه مشاهده می‌شود
(ت ۱۲)؛ از جمله در دو طاقچه جانبی بالای سردر، نگاره‌هایی
هستند که آسیب دیده‌اند و تشخیص دقیق موضوع آنها مشکل
است. نگاره تصویر شده بر روی یکی از طاق نماها، که واضح‌تر
است، تصویر شخصی سوار بر اسب و شخص دیگری در
برابری با تفنگی بر روی دوش است (ت ۱۲). تصویر دیگر که
قرینه نگاره اول است و به صورت ناواضح در سمت راست درگاه

۱۷. إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أُمْسَكْتُمَا مِنْ أَحَدٍ
مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا (۴۱)

۱۸. ماده تاریخ به دست آمده سال
۱۱۴۴ق را نشان می‌دهد، اما بنا بر
تجربه آقای افشین عاطفی این کم و
زیادی‌های چندساله در ماده تاریخ سابقه
دارد، بنابراین باید ۱۱۴۵ق را تاریخ
ساخت در نظر گرفت.

ت ۱۰ (راست). ایوان اصلی بقعه
سلطان میراحمد، عکس: فریده
فرمانیان آرانی.
ت ۱۱ (چپ). سمت راست؛ قاب
گچی کتیبه‌کاری با تاریخ ۱۱۴۵ق،
سمت چپ؛ گچ‌بری همراه با نقوش
گل و گیاه در میانه ایوان، عکس:
ف. فرمانیان آرانی.



ت ۱۲ (بالا). سردر ورودی به رواق مردانه واقع در ایوان، سقف‌سازی ثانویه از نوع کاربردی آن و نقاشی‌های به‌جامانده بر روی تزئینات گچی، عکس‌ها: ف. فرمانیان آرانی.

دیده می‌شود (ت ۱۲) زنی نشسته را نشان می‌دهد که در مقابل او زن دیگری ایستاده و شیء نامشخصی را به طرف زن نشسته گرفته است. چهره‌های مرد اسب‌سوار و زن نشسته در هاله‌ای از نور و با شعلهٔ فروزان احاطه شده است. گویا در دو قاب هم‌شکل و قرینهٔ دیگر نیز نگاره‌های مشابه دیگری وجود داشته است. نقاشی‌های یادشده با توجه به محتوا و نوع کار ممکن است در اواخر دورهٔ صفوی و هم‌زمان با کتیبه‌ها و نقوش گچ‌بری در سال ۱۱۴۵ ق پدید آمده باشد و البته با احتمال بیشتری به دورهٔ قاجار منتسب هستند. بنابراین ممکن است سقف دارای کاربردی ایوانچهٔ ورودی در اواخر دورهٔ صفوی ساخته شده باشد و سپس در فاصلهٔ میان شکل‌گیری تا دورهٔ قاجاری نگاره‌های روی آن ترسیم شده باشند.

۲.۳.۲. محراب

در دیوار غربی ایوان که، به دلیل زاویه‌دار بودن استقرار بنا، رو به جانب قبله یا جنوب غربی است، یک محراب گچی با ارتفاع ۳/۷۰، عمق ۱/۱۶، و عرض ۱/۹۰ متر قرار دارد (ت ۱۳) که به‌خاطر تزئیناتش می‌توان آن را با مرمت‌ها و افزوده‌های اواخر دورهٔ صفوی (پیش‌تر بدان‌ها اشاره شد) مرتبط دانست. وجود محراب در ایوان بقعه کمی غیرمنتظره است. در واقع به‌نظر می‌رسد این ایوان مسجدی تابستانی بوده که در آن نماز می‌خوانده‌اند، ایوان هنوز هم کم‌وبیش این کاربرد را دارد. تزئینات محراب شامل مقرنس و نقوش گل‌وبوتهٔ داخل لچکی‌ها و حاشیهٔ قوس‌دار محراب است که به‌صورت شیروشکر گچ‌بری و رنگ‌آمیزی شده است (ت ۱۳). در دو طرف محراب دو طاق‌نمای کوچک دیگر نیز هست که در لچکی‌های آنها نقوش گچ‌بری شدهٔ گل‌وبوته دیده می‌شود (ت ۱۳).

ت ۱۳ (پایین). مقرنس‌کاری محراب، طاق‌نماهای گچ‌بری مجاور آن و کتیبهٔ آجری با تاریخ ۱۲۸۱ ق در دیوار غربی ایوان، عکس‌ها: ف. فرمانیان آرانی.



۴.۲. رواق‌های اطراف گنبدخانه

مربع‌شکل پوشانده شده بود و در بخش‌هایی نیز با کاشی‌های هفت‌رنگ منقوش کتیبه‌دار کار شده بود (ت ۱۷ و ۱۸). این کاشی‌ها که مربوط به قبرهای قدیمی بودند، احتمالاً در گذشته و در زمان مرمت بقعه و برای حفاظت بهتر از کف به دیوار منتقل شده‌اند. این کاشی‌های هفت‌رنگ پرنقش‌ونگار که تأثیری چشمگیر بر حال‌وهوای بقعه داشتند، متأسفانه طی تعمیرات اخیر و در سال ۱۳۹۹ با کاشی‌های فیروزه‌ای جانشین شده‌اند. بخش انتهایی این رواق با دری به حیاط پشتی امامزاده راه دارد.

در مجاورت رواق غربی (فضای ۱۳ در «ت ۱») که متشکل از چهار چشمه طاق پی‌درپی است، رواق دیگری متشکل از سه دهانه طاق با خیز کم و به ارتفاع‌های ۵/۸۵، ۴/۸۵ و ۵/۲۶ متر و دقیقاً در جنوب گنبدخانه قرار دارد (فضای ۱۴ در «ت ۱») و از قسمت‌هایی است که معمولاً مردان در آن حضور می‌یابند. ازاره‌های دیوار این بخش زیارتگاه نیز با کاشی‌های فیروزه‌ای‌رنگ شش‌ضلعی پوشانده شده است (ت ۱۴-۲). ارتفاع سقف این ردیف از طاق‌ها از ردیف طاق‌های واقع در غرب زیارتگاه کوتاه‌تر است و در جبهه شرقی آن آرامگاه خاندان دایی‌زاده است. در سال ۱۳۹۷ در انتهای جنوبی این

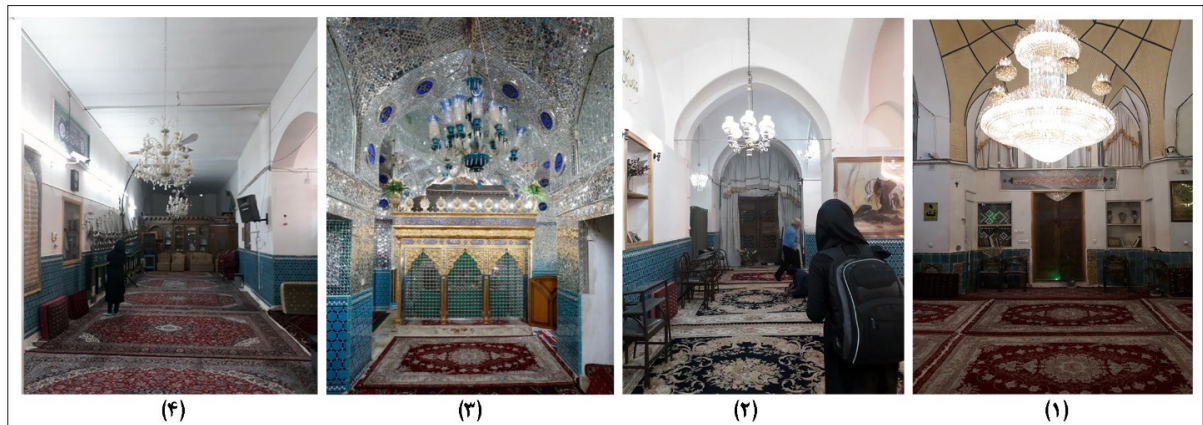
در غرب گنبدخانه (که گفته شد، قبر و ضریح در آن واقع شده) رواقی مستطیل‌شکل هست که امروزه بخش مردانه زیارتگاه است (فضای ۱۳ در «ت ۱»). ورود به این بخش از طریق در چوبی واقع در سمت راست ایوان اصلی میسر است (ت ۱۰). فضای این رواق با چهار طاق پوشانده شده که دو طاق ارتفاعی برابر با ۷/۴۰ متر دارند و دو طاق دیگر بلندیشان به ترتیب برابر با ۷/۱۰ و ۶/۹۰ متر است. این طاق‌ها با رسمی‌بندی گچی ساده و آجری تزئین شده‌اند (ت ۱۴-۱). ارتفاع طاق‌های این بخش از سایر رواق‌های مجاور در بقعه بیشتر است. سقف این بخش مجموعه از پای گریو گنبد هم بلندتر است (ت ۳۰). بنابراین به نظر می‌رسد که این رواق مستطیل‌شکل بعدها به گنبدخانه بقعه الحاق شده باشد؛ هرچند تفاوت ارتفاع طاق‌های این رواق ممکن است دلیلی بر این موضوع باشد که این چهار چشمه طاق در یک مرحله و دوره ساخته نشده باشند. در این بخش از بقعه سه در چوبی قدیمی نیز نگهداری می‌شود (ت ۱۴-۱). این درها کتیبه و تاریخ دارند و فعلاً برای نمایش در بر دیوار هم‌جوار با کوچه زیارت قرار داده شده‌اند. ازاره دیوار این بخش تا اندک زمانی پیش‌ازین با کاشی‌های فیروزه‌ای‌رنگ و

۱۹. سازمان میراث فرهنگی، گزارش توصیفی زیارت سلطان امیراحمد، <https://sinapress.ir/news/39194/> در

۲۰. نراقی، آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز، ۱۳۲۴.

ت ۱۴

۱. رواق غرب گنبدخانه،
 ۲. رواق جنوب گنبدخانه در سال ۱۳۹۷،
 ۳. رواق شرقی گنبدخانه،
 ۴. رواق واقع در منتهی‌الیه جبهه جنوب شرقی،
- عکس‌ها: ف. فرمانیان آرانی.



۲۱. در تعلیقات الهیار صالح بر کتاب تاریخ کاشان تاریخ ضریح ۱۳۴۱ق گفته شده است (ضرابی، تاریخ کاشان، ۵۵۹) و نراقی معتقد است که تاریخ یادشده ۱۱۴۶ق است (نراقی، آثار تاریخی کاشان و نطنز، ۱۲۴).

۲۲. همان، ۲۳۵.

۲۳. حمیدرضا جیحانی و دیگران، «مطالعه مرکز محله پنجه‌شاه کاشان با

ت ۱۵ (راست). در ضریح چوبی امامزاده، عکس: ف. فرمانیان آرانی.

ت ۱۶ (چپ). سمت راست؛ سنگ قبر دوره سلجوقی با تاریخ ۵۸۵ ق، وسط؛ سنگ قبر حاجی محمدطاهر، سمت چپ؛ سنگ مزار با مرثیه جامی، عکس‌ها: ف. فرمانیان آرانی.

رواق دری چوبی دارای نقوش و کتیبه، بدون محافظت، قرار گرفته بود (ت ۱۴-۲). اما در حال حاضر، بخشی از ضریح چوبی، که دری کتیبه‌دار در میان دارد، به جای در مذکور نصب شده است (ت ۱۵). انتهای این رواق نیز با درگاهی به حیاط پشتی امامزاده راه می‌یابد. ورود به رواق مورد استفاده زنان (فضای در «ت ۱») ابتدا از پیش‌ورودی بخش زنانه (فضای ۱۰ در «ت ۱») و بعد با رد شدن از در چوبی بیرون از ایوان اصلی بقعه، که در منتهی‌الیه شرقی حیاط قرار دارد، امکان‌پذیر است. این در با درگاه ورود به کوچه زیارت در منتهی‌الیه غربی این ضلع از صحن بقعه قرینه است (ت ۲). ازاره‌های این راهرو هم با کاشی‌های فیروزه‌ای‌رنگ شش‌ضلعی پوشانده شده که در انتهای آن و بالای درگاه ورودی به بخش اصلی بقعه با مقرنس‌های گچی تزیین شده است. با عبور از این بخش، محدوده‌ای دقیقاً در شرق گنبدخانه در دسترس است و دید به ضریح نیز از آنجا میسر می‌شود (ت ۱۴-۳). این فضا مشابه گنبدخانه اصلی، آینه‌کاری شده است (ت ۱۴-۳). ارتفاع طاق این بخش از کف بقعه ۵/۱۰ متر است. با عبور از این قسمت، راه به فضایی مربع‌شکل با پوشش طاق می‌رسد که با گچ

اندود شده و بخشی از رواق زنانه محسوب می‌شود و ارتفاع آن ۶/۳۰ متر است (فضای ۱۵ در «ت ۱»). بخش مستطیل‌شکلی با پوشش مسطح و ارتفاعی کوتاه‌تر از سایر قسمت‌ها، برابر با ۴/۵۷ متر، به رواق زنانه متصل شده که در منتهی‌الیه جنوب شرقی زیارتگاه قرار دارد (فضای ۱۶ در «ت ۱»). سقف مسطح این فضا با سقف‌های طاق و تویزه‌ای بنا همخوانی ندارد (ت ۱۴-۴) و این بخش به نسبت سایر رواق‌ها متأخرتر است. در این فضا علم فلزی بزرگی نگهداری می‌شود که جدید است و تاریخ ۱۳۸۳ دارد. بر روی دیوار جبهه شرقی این فضا کتیبه‌ای است و بر روی کاشی جمله «هو الباقی، آرامگاه خاندان حاج حسن یوسفی» دیده می‌شود. فضایی واقع در ضلع جنوبی این قسمت به مرکز فرهنگی اختصاص یافته است (ت ۱۴-۴).

۵.۲. ضریح چوبی قدیمی

بقعه پیش‌تر ضریح چوبی با گره‌چینی داشته که بخشی از آن همراه با دری کتیبه‌دار به ارتفاع ۱۲۰ و عرض ۸۸ سانتیمتر باقی مانده است (ت ۱۵). طبق گزارش اداره میراث فرهنگی درون ضریح مشبک قبر برجسته‌ای بوده که با کاشی‌های عهد مغول تزیین شده بود.^{۱۹} گفته می‌شود که این کاشی‌ها در اوایل قرن حاضر ربوده شدند. در کتیبه‌های در چهار طرف لنگه‌درهای ضریح قصیده‌ای نوشته شده که شامل بیست بیت و با خط نستعلیق کنده‌کاری شده است؛^{۲۰} کتیبه یادشده دربرگیرنده ابیاتی است که برخی از آنها عبارتند از:

«ای بارگاه محترمت قبله حرم /

وی مستجاب هر در تو دعا بود ...

آمد چو این ضریح پ پایان و شد تمام /

شایق که خادم از در دولت‌سرا بود

بگرفت خامه و پی تاریخ آن نوشت /

چوبی حصار معدن علم خدا بود»



است. به هر روی اینکه کتیبه‌ای از دوره سلجوقی در این زیارتگاه پیدا شده است که احتمال وجود این بقعه در دوره سلجوقی را ممکن می‌کند. در عین حال باید توجه داشت که یک الگوی کهن در کاشان، رابطه‌ای میان محل استقرار زیارتگاه و گورستانی قدیمی را آشکار می‌کند. نمونه‌های دیگر این الگو را می‌توان در هم‌جواری زیارتگاه‌های پنجه‌شاه^{۳۳}، میرنشانه، و همچنین قدمگاه علی^{۳۴} با گورستان‌های مجاورشان جستجو کرد.

۲.۶.۲. سنگ قبر حاجی محمد طاهر

سنگ قبر دیگر از نوع مرمر یکپارچه به طول ۲۰۰ و عرض ۴۰ سانتیمتر بر روی یکی از دیواره‌های بنا و در ارتفاعی بالاتر از ازاره نصب شده که بر روی آن کتیبه‌های متنوعی به صورت برجسته حجاری شده است (ت ۱۶). این سنگ نیز احتمالاً در کف زیارتگاه و بر روی قبری بوده است. اما متن کتیبه نیز در نوع خود قابل ملاحظه است. دورتادور سنگ صلوات کبیره بر دوازده امام^(ع) حجاری شده و به جز آن، سلام بر امام دوازدهم تفصیل بیشتری یافته است: «و صل علی الحجه القائم الخلف الصالح الامام الهمام المنتظر المظفر المهدي الهادي صاحب الزمان صلوٰة الله عليه و عليهم اجمعين». در بالای سنگ در کادر مربع کتیبه «کل شیء هالک الا وجهه» و در پایین آن، قاب محرابی ساده‌ای کنده‌کاری شده است. در زیر آن، بخشی از دعای نادعلی، نام متوفی، و لعن بر طمع‌کننده آمده است: «نادِ عَلِيًّا مَظْهَرِ الْعَجَائِبِ تَجِدُهُ عَوْنًا لَكَ فِي النَّوَائِبِ، كُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ سَيَبْتَغِي، بِوَلَايَتِكَ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ، وَفَات يَأْفِتْ مَرْحُومٌ مَغْفُورٌ، سِيَادَتِ وَ نَجَابَتِ دَسْتِگَاهِ، حَاجِي الْحَرَمِيِّنِ الشَّرِيفِيْنَ زَائِرِ رَسُوْلِ الثَّقَلَيْنِ حَاجِي مُحَمَّدِطَاهِرِ بْنِ مَرْحُومِ مَغْفُورِ مِيرْمُحَمَّدِ تَقِيِّ تِجَارِ كَاشَانِي فِي تَارِيخِ پَانزْدَهْمِ شَهْرِذَالْقَعْدَةِ سَنَةِ سِتِّ وَ سَتِيْنِ (و) الْفِ، ۱۰۶۶ مِنْ الْهَجْرِيَةِ النَّبَوِيَّةِ، طَمَعُ كُنْدَةِ وَ فَرُوشِنْدَةِ بَلْعَنِ گَرْفَتَارِ بَاشِدُ».

در این کتیبه، نام شاعر آن قصیده «شایق» و واقف ضریح نیز «هاشم فرزند رضا» معرفی شده است.^{۳۱} از شایق قصیده دیگری بر لوح مرمر زیارتگاه محمد هلال آران وجود دارد که در آن به تعمیر عمارت این زیارتگاه توسط حاج زین‌العابدین ساکن کاشان و زاده شیروان اشاره شده است.^{۳۲} در سال ۱۳۸۲، ضریح چوبی امامزاده با ضریح فولادی جانشین شده است (ت ۱۴-۳). دورتادور ضریح فلزی کتیبه‌ای شامل آیات سوره «هل اتی» کنده‌کاری شده است و کتیبه‌ای دیگر شامل قصیده‌ای معاصر (سروده حسن عاطفی) در مدح آن مکان مقدس نیز قابل مشاهده است.

۲.۶.۲. سنگ‌ها و لوح‌های قبر

در این زیارتگاه سه سنگ قبر از دوره‌های مختلف تاریخی وجود دارد (ت ۱۶). نخستین سنگ تاریخ ۵۸۵ق دارد و ناقص است و بر روی سنگ دوم تاریخ ۱۰۶۶ق درج شده است. این دو سنگ از جنس مرمر هستند. سنگ قبر نفیس دیگری نیز در زیارتگاه هست که فاقد نام و تاریخ است.

۲.۶.۱. سنگ قبر دوره سلجوقی

قطعه‌ای از سنگ قبری به طول ۸۱ و عرض ۱۵/۵ سانتیمتر در ورودی و جبهه شمال شرقی بقعه قرار دارد (ت ۱۶) که در بالای آن میخی قلاب‌مانند فرو کرده‌اند و معلوم است که کاربرد ثانوی دیگری داشته و احتمالاً بر آن چیزی می‌آویخته‌اند. کتیبه سنگ نیز ناقص است و گویا بریده شده و نوع کتابت آن بسیار ناخواناست و صرفاً برخی کلمات و عبارات مانند «بود» و «وداع» و البته «سنه ۵۸۵» خوانده می‌شود (ت ۱۶). بنابراین معلوم می‌شود که سنگ یادشده سنگ قبری از دوران سلجوقی است. اما اینکه متعلق به این زیارتگاه باشد، محل تردید است، چون در این محله تا دوره معاصر نیز قبرستان بزرگی وجود داشته

تاکید بر نقش زیارتگاه و عناصر معماری و شهری پیرامون»، مجله کاشان‌شناسی، ش. ۲۴ (بهار و تابستان ۱۳۹۹): ۳-۲۸.

۳۴. حمیدرضا جیحانی و محمد مشهدی، «قدمگاه امام علی (ع)؛ در جستجوی تربت‌خانه ایلخانی کاشان»، مطالعات معماری ایران، ش. ۱۸ (پاییز و زمستان ۱۳۹۹): ۸۹-۱۱۲.

۳.۶.۲. سنگ مزاری با مرثیه جامی

در جریان خاک برداری و زیرسازی کف زیارتگاه، سنگ قبر نفیس سفیدرنگی پیدا شده است که بنابر خط کتیبه و نقوش باید متعلق به دوره صفوی باشد (ت ۱۶). این سنگ قبر صندوقه‌ای به طول ۱۵۲، عرض ۳۷ و ارتفاع ۲۱ سانتیمتر بوده و از قسمت بالا شکسته و دو نیم شده؛ اما هر دو قطعه موجود است (ت ۱۶). سنگ دارای تزیینات گل و بوته و کتیبه است. بدین ترتیب که بر ردیف بالایی گرداگرد ساقه سنگ، صلوات کبیره به خط ثلث نوشته و در پایین آن، نقوش گل و بوته کار شده است. بر روی سنگ و درون هشت قاب کشیده ترنجی شکل، چهار بیت

ت ۱۷. کاشی خشتی هفت رنگ قبر بقعه سلطان میراحمد، عکس‌ها: محمد مشهدی نوش آبادی.

از مرثیه هفت‌بیتی عبدالرحمن جامی در سوگ فرزند با مطلع «زیر گل تنگدل ای غنچه رعنا چونی» به خط نستعلیق کتیبه شده است.^{۲۵} در میان سطح سنگ هم طرح ترنجی زیبایی کار شده است. با این اوصاف از نام متوفی و تاریخ وفات خبری نیست که عجیب می‌نماید. احتمال دارد که کار کتیبه سنگ ناتمام مانده باشد و یا اینکه متوفی بانویی بوده و بر طبق سنت، نامش بر سنگ مزار نیامده است.

۷.۲. بررسی کاشی‌های قبر

در رواق اصلی زیارتگاه واقع در غرب گنبدخانه (ت ۱۴-۱) تعدادی کاشی قبر از اوایل سده ۱۲ق به‌جا مانده است (ت ۱۷). هرکدام از این نمونه‌ها عموماً شامل چهار کاشی خشتی هفت‌رنگ است که در سمت چپ و راست آنها دو لچکی و در مرکز نیز یک طرح محرابی یا گنبدمانند مشاهده می‌شود (ت ۱۷). لچکی‌ها شامل اسلیمی‌هایی به رنگ زرد بر زمینه لاجوردی یا فیروزه‌ای است. درون طرح محرابی نیز نوشته‌هایی دارد که سطرها با دو خط باریک موازی جدول کشی شده‌اند. به‌طور میانگین در هر لوح مزار حدود هفت سطر نوشته دارد که اگر متن کتیبه حاوی شعر باشد، هر سطر نیز از وسط به دو بخش مجزا جدول کشی شده است. نوشته‌ها به خط نسخ و یا نستعلیق بر زمینه‌ای با رنگ سفید قرار دارند.

الف. لوح مزار خواجه عبدالکریم شیرازی، مورخ ۱۱۱۱ق/۱۷۰۰م که در پنج سطر به خط نسخ نگاشته شده است (ت ۱۷). متن کتیبه چنین است: «(۱) [هو] [الباقی] (۲) ... مرحمت و (۳) ... جنت و رضوان (۴) آرامگاه خواجه عبدالکریم (۵) شیرازی بتاریخ پانزدهم شعبان سنه ۱۱۱۱».

ب. بر روی لوح مزار نورالدین محمد نوشته شده است: «(۱) [هو] [الباقی] (۲) [کل شیء] هالک الا وجهه (۳) ... [مغفر] ت و غفران پناه (۴) اقا نورالدین محمد ابن مرحوم (۵) استاد



بر گلشن او نیست بجز خار، بار حاصلی در چمنش نیست بغیر از ماتم (۴) داشتم دوستی از جان بمن الفت (۵) ... آنکه در عزا و مامتش زند جامی کم». متن دو کاشی پایینی چنین است: «(۱) میرزای میرزایان رحمه الله (۲) وفات یافت رحمت پناه رضوان آرامگاه (۳) دردا که ناگهان ز جهان رفت خان ما | وا حسرتا که کاسته شد انجمی تمام (۴) داغی نهاد بر دل احباب رحلتش | داغی که به نگردد و ماند علی الدوام | گیتی نبود در خور انس[ان]؟! (۵) مقام او در خلد کرد منزل و بگذشت ازین مقام | دنیا محل امن و امان نیست خلق را آخر گذشتن».

ث. دو تک کاشی نیز در زیارتگاه وجود دارد که متعلق به ربع بالایی سمت راست الواح چهارتایی هستند (ت ۱۷- الف و ب). یکی از آنها در کنار الواح مزار خواجه عبدالکریم (ت ۱۷- الف) و دیگری بر مزار نورالدین محمد (ت ۱۷- ب) نصب شده تا قطعه ازین رفته آنها را تکمیل کنند. متن کاشی اول به خط نستعلیق چنین است: «(۱) هو [الباقی] (۲) عین دلم بودی محمد (۳) داد ازین واقعه جان گداز». دومین کاشی نیز با عبارت مرسوم در سایر قبرها به خط نسخ نوشته شده است: «(۱) هو [الباقی] (۲) وفات یافت (۳) مغفرت دستگاه» (ت ۱۷).

به جز این الواح مزار کتیبه دار، انواع دیگری از کاشی های

شهباز حلاج کاشانی (۶) بتاریخ شهر رجب المر- (۷) جب من شهور سنه ۱۱۲۸» (ت ۱۷).

پ. بر روی لوح مزار محمد حسین به نستعلیق خوش نوشته شده است: «(۱) الحکم لله (۲) رفت برون بصد هزار امید، زین جهان خرابه پرشور (۳) نونهال حدیقه خوبی، روشنی بخش چشم اهل شعور (۴) نیست در دید[ه]ها ز فرقت او، بجز از اشک لاله گون منظور (۵) بهر تاریخ فوت جانسوزش، چون حسین است نام این مغفور (۶) عزلت از غصه زد رقم با آه، باد با شاه کربلا محشور ۱۱۲۳. (۷) فوت مرحوم مغفور محمد حسین ابن حاج الحرمین الشریفین حاجی محمد علی فی روز شنبه بیست و سیم شهر رجب المرجب سنه ۱۱۲۹» (ت ۱۷).

ت. بر ازاره یکی از دیوارهای زیارتگاه چهار کاشی کنار هم چسبانده شده بود که دو قطعه بالایی شامل نیمه بالایی یک لوح مزار و دو قطعه پایینی که وارونه نصب شده بودند دربردارنده نیمه بالایی یک لوح مزار دیگر است (ت ۱۷). از آنجا که معمولاً نام متوفی و تاریخ در نیمه پایینی لوح می آمده، چنین اطلاعاتی در این دو لوح باقی نمانده است. متن دو قطعه کاشی بالایی چنین است: «(۱) از گفتار ... زلی دلجانی (۲) داد از این چرخ جفاییشه هر دم، آزار که بلوح دل احباب کشد (۳) طرح ستم تو

۲۵. زیر گل تنگدل ای غنچه رعنا چونی / بی تو ما غرقه به خونیم تو بی ما چونی / سلک جمعیت مایی تو گسسته است زهم / ما که جمعیم چنینیم تو تنها چونی

بی تو بر روی زمین تنگ شده بر من جا / تو که در زیر زمین ساخته ای جا چونی / خورد غم های توام وه که خیال تو گهی / می نپرسد که درین خوردن غم ها چونی

ت ۱۸. بقایای تزیینات کاشی هفت رنگ صفوی در بقعه سلطان میراحمد، عکس ها: م. مشهدی نوش آبادی.



۲۶. نراقی، آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز، ۱۳۳.

۲۷. ضرابی، تاریخ کاشان، ۵۵۸.

۲۸. نراقی به‌اشتباه آن را بخشی از آیه «انما یعمر مساجدالله...» خوانده است. (نراقی، آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز، ۱۳۳).

ت ۱۹ (راست). در چوبی کتیبه‌دار با تاریخ ۹۴۱ق، عکس و ترسیم: مریم میهن‌خواه.

ت ۲۰ (چپ). در چوبی کتیبه‌دار با نقوش هندسی ستاره‌های گره‌چینی و تاریخ ۹۴۱ق، عکس و ترسیم: م. میهن‌خواه

هفت‌رنگ در این زیارتگاه هست (ت ۱۸) که عموماً متعلق به دوره صفوی‌اند. دو نوع از آنها با تفاوتی فاحش مبین سبک کاشی دوران قاجاری‌اند (ت ۱۸-۳ و ۵). متأسفانه کل این کاشی‌های هفت‌رنگ اخیراً از جای خود کنده شده و بنابر نقل متولی در انبار نگهداری می‌شوند.

۲.۸. بررسی درهای چوبی

چهار جفت در چوبی دارای کتیبه و تاریخ در زیارتگاه وجود دارد (ت ۱۹ تا ۲۲) که سه جفت آنها فعلاً در بخش مردانه و در رواق متصل به ورودی اصلی بقعه نگهداری و با یک صفحه شیشه‌ای در مقابلشان محافظت می‌شوند (ت ۲۰ تا ۲۲). در دیگر نیز در ضلع جنوبی گنبدخانه زیارتگاه نگهداری می‌شده که اخیراً از آنجا برداشته شده است (ت ۱۹).

الف. در نخست در قسمت مردانه و در سمت جنوبی گنبدخانه و پشت ضریح قرار داشته و اکنون از آنجا برداشته شده و به جای آن در بچه‌های ضریح را گذاشته‌اند (ت ۱۵). در سه قسمت بالایی، وسط، و پایینی این در و داخل کادرهای مستطیل شکل

ابیاتی با خط نسخ و به‌صورت برجسته وجود دارد و سطح بین کتیبه‌ها گره‌چینی شده است (ت ۱۹). نراقی این در را «در ایوان بزرگ» گفته است^{۲۶} و در تعلیقات الهیار صالح بر تاریخ کاشان از این در با عنوان «در ورودی» یاد شده است.^{۲۷} احتمالاً موقعیت آن در محل یکی از درهای واقع در ایوان اصلی بوده است. با توجه به وجود حیاطی در جبهه جنوبی زیارتگاه، می‌توان این احتمال هم داد که در اصلی امامزاده آنجا و عبورومرور اصلی از آن قسمت بوده است. بر پیشانی دو لنگه در، آیه «إِنَّ الدِّينَ أَمْنٌ وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^{۲۸} (بقره: ۲۷۷) و در میانه و پایین در چهار قاب، نام بانی به‌صورت میرزا احمد و تاریخ ساخت آن برابر با ۹۴۱ق آمده است: «(۱) حامی دین، میرزا^{۲۹} احمد که هست / نام او سردفتر اهل صفا (۲) آنکه از درگاه لطف عام او / حاجت ارباب حاجت شد روا (۳) کرد نذر روضه سلطان دین / این در دارالبقای دلگشا (۴) و این مصرع پی تاریخ در / قبله خلق جهان باب هدا (۹۴۱)» (ت ۱۹).

ب. بر روی سطح دو لنگه در دوم شش قاب نقوش هندسی



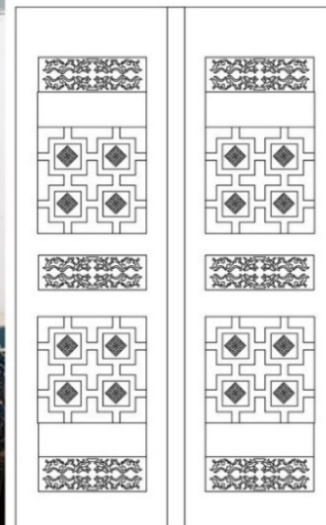
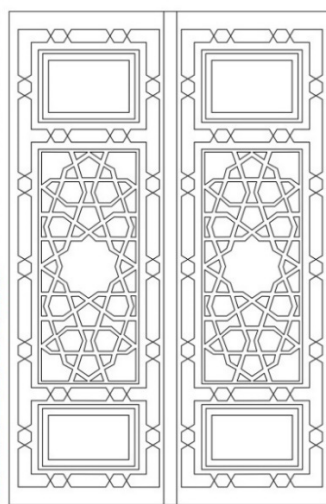
۲۹. نراقی به اشتباه میرزا را مبین و عبارت را حامی دین مبین خوانده است (همان).

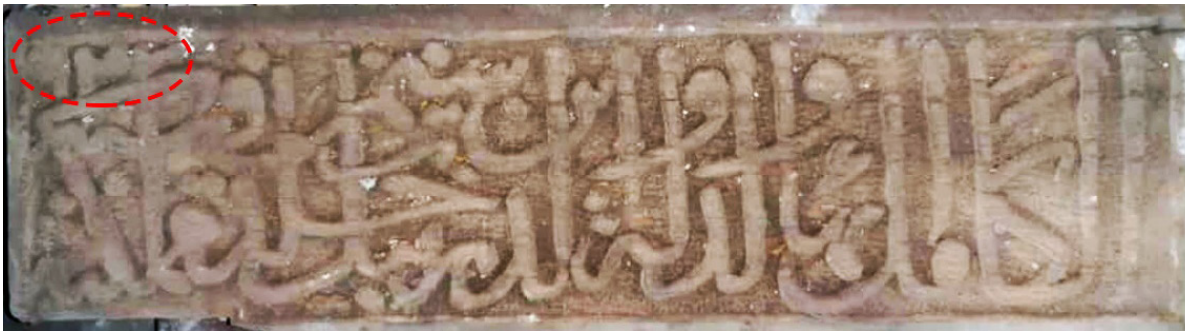
ت ۲۱ (راست). در چوبی با سه قاب کتیبه و سه قاب گل و بوته و تاریخ ۹۴۱ ق، عکس و ترسیم: فریده فرمانیان آرانی.

ت ۲۲ (چپ). در منبت کاری شده زیارتگاه و بدون تاریخ، عکس و ترسیم: ف. فرمانیان آرانی.

شیشه‌ای در رواق غربی بقعه نگهداری می‌شود. هر لنگه این در دارای سه قاب کتیبه و سه قاب گل و بوته است و در وسط هر لنگه در نیز در دو قاب بزرگ، قفل علی (چهار بار نام علی) با شکل لوزی در قاب‌های مربع شکل کوچک چهار بار تکرار شده است (ت ۲۱). در بالای لنگه راست عبارت «هو الله» و در زیر آن در قاب مستطیل عبارت «مرا مفتح ابواب فتح باب نمود» نوشته شده و در لنگه چپ: به همان ترتیب عبارت‌های «سبحانه» و «دری ز عالم احسان بروی ما بگشود» درج شده است. در دو قاب پایین هر دو لنگه در نیز کتیبه وجود داشته است (ت ۲۱). قاب سمت راست امروز فاقد کتیبه است، اما در قاب لنگه چپ با وجود سایدگی و ناخوانا بودن بخشی از کتیبه، عبارت «الخواجه میرزا مطهر بن الخواجه معین الدین شرف ... ۹۴۱» خوانده می‌شود (ت ۲۱) که اشاره به نام واقف و سال ساخت در دارد.^{۳۲} صالح در تعلیقاتش بر کتاب تاریخ کاشان از این درب با عنوان «درب انبار» یاد کرده و تاریخ را ۹۱۵ ق خوانده است،^{۳۳} نراقی نیز همین کتیبه و تاریخ را آورده، ولی آن را «درب مقابل ضریح» گفته است.^{۳۴} بنابر خوانش ما تاریخ

ستاره‌ای گره‌چینی و بر روی سطح ایجاد شده نیز نقوش گل و بوته منبت کاری دیده می‌شود (ت ۲۰). در بالا و پایین هر لنگه دو قاب برای خوشنویسی تعبیه شده است، هر چند کتیبه‌های قاب‌های لنگه سمت راست از میان رفته و تخته‌ای ساده جای آن قرار داده‌اند. در بالای کتیبه لنگه چپ عبارت: «قال النبی صل الله علیه و آله و سلم: انا مدینه العلم و علی بابها» و در قاب پایین نام واقف و تاریخ ساخت آمده است: «الخواجه مظفرالدین مسعود بن الخواجه قوام‌الدین محمد فی سنه احدی و اربعین و تسعمائه (۹۴۱)» (ت ۲۰). ابعاد این در ۲۲۸ در ۱۳۰ سانتیمتر است. صالح^{۳۰} و نراقی^{۳۱} در توصیف زیارتگاه طاهر و منصور کاشان به در چوبی بقعه اشاره دارند که آن نیز به امر خواجه مظفرالدین مسعود در سال ۹۳۴ ق ساخته شده است. به علاوه تزیینات و صلوات کبیره بر کتیبه در یاد شده، تاریخ و متنی چنین نیز بر آن مشاهده می‌شود: «و تمت هذا الباب بامر صاحب الاعظم الخواجه مظفرالدین مسعود فی سنه ۹۳۴». پ. در دیگری با ابعاد این در ۲۱۱ در ۱۲۴ سانتیمتر در قاب





این سه در با تاریخ ۹۴۱ق ساخت گنبد که نراقی بدان اشاره می‌کند^{۳۵} و رد آن هنوز بر روی کتیبه آسپ‌دیده گریو گنبد دیده می‌شود، یکسان است و معلوم می‌شود که در این سال، تغییراتی اساسی در بنای زیارتگاه ایجاد شده است.

ت. در چهارم، با ابعاد ۱۳۰×۲۱۰ سانتیمتر، نسبت کاری عالی دارد و در بالا و پایین هر لنگه آن دو قاب خوشنویسی شده مشاهده می‌شود (ت ۲۲). علاوه بر این، در میانه نیز طرح هندسی با گره‌چینی و روی همه قطعات حاصل از گره‌چینی نیز طرح‌های گل‌وبوته اسلیمی و ختایی متنوع کار شده است. در بخش‌های دیگر و به‌ویژه قسمت‌های کناری نیز نقوش گل‌وبوته به چشم می‌خورد (ت ۲۲)، چنان‌که گویی طرحی از نقش فرش بر روی این در کنده‌کاری شده است. در دو قاب بالایی با خط ثلث درشت عبارت «قال النبی صل الله علیه و آله وسلم» و حدیث نبوی «انا مدینه العلم و علی بابها» و در دو قاب پایینی عبارت نیایشی از علی بن ابی طالب آمده است: «إلهی ائلی منک رَوْحاً وَ رَاحَةً/ فَلَسْتُ سِوَى أَبْوَابِ فَضْلِکَ أَقْرَعٌ» (ت ۲۲). این خطوط در کادری مستطیل‌شکل با رنگ زمینه کرم روشن نوشته شده‌اند. همچنین با خطی ریزتر در بالا و پایین قاب‌های افقی در، «صلوات کبیره» و در پایین‌ترین بخش نیز نام واقف و سازنده بدین ترتیب آمده است: «وقف این آستانه متبرک کرد، یار احمد بن خواجه احمد اردستانی، عمل استاد حاجی حسین»

۹.۲. اشیای درون بنای بقعه

داخل زیارتگاه اشیای قدیمی و گاه تاریخ‌داری هست. از جمله در قسمت بالای در ورودی یک قندیل مسی نگهداری می‌شد که اخیراً آن را داخل ویترونی در امامزاده قرار داده‌اند. روی آن نوشته شده است: «وقف آستان حضرت سلطان امیراحمد نمود

۳۰. ضرابی، تاریخ کاشان، ۵۵۹.

۳۱. نراقی، آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز، ۱۲۵.

۳۲. علی‌رغم وضوح تاریخ ساخت، نراقی به‌اشتباه آن را ۹۱۵ق خوانده است.

۳۳. ضرابی، تاریخ کاشان، ۵۵۸.

۳۴. نراقی، آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز، ۱۲۳.

۳۵. همان، ۱۲۲.

۳۶. نراقی در اشتباهی عجیب کتیبه وقف این در و در دیگر را ادغام کرده و نوشته است: «الخواجه مظفرالدین مسعود بن الخواجه قوام‌الدین محمد فی سنه احدى و اربعین و تسعمائه (۹۴۱) ... وقف این آستانه متبرک کرد یار احمد بن خواجه احمد اردستانی» (همان، ۱۲۳).

۳۷. همان.

۳۸. ضرابی، تاریخ کاشان، ۵۵۸.

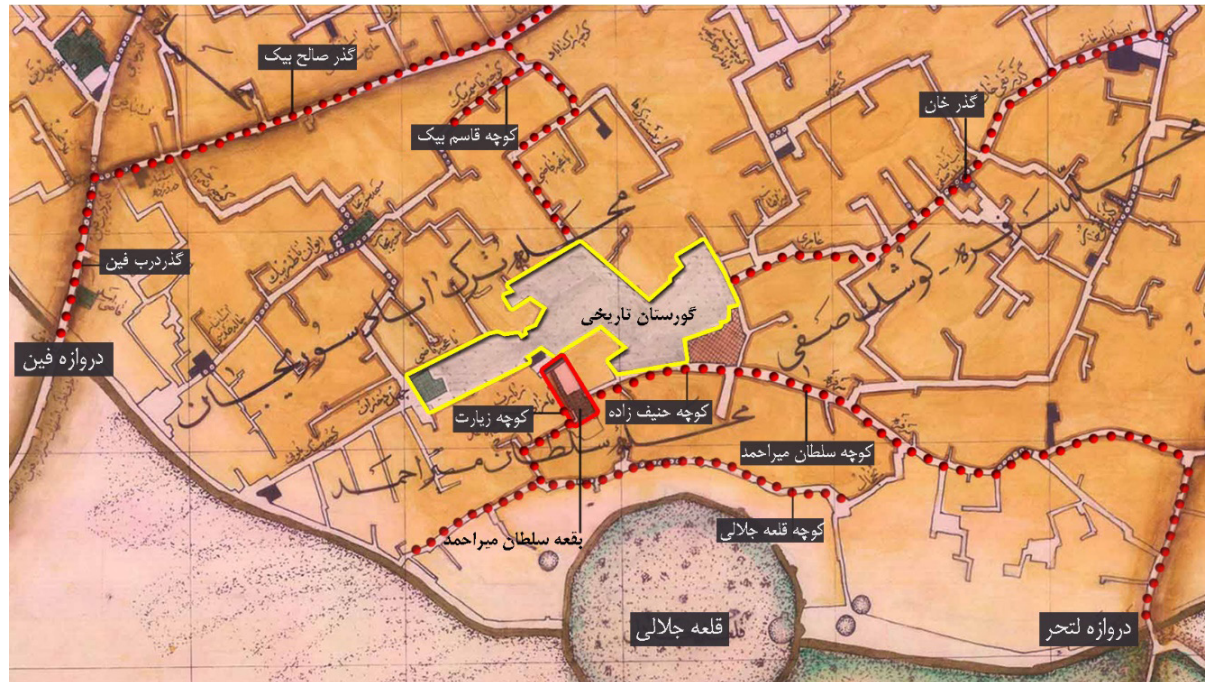
ت ۲۳. قطعه به‌جامانده از کتیبه در چوبی بقعه با تاریخ ۹۲۳ق، عکس: م. مشهدی نوش‌آبادی.

نیز در این محل نگهداری می‌شود که بر روی آن نوشته شده: وقف آستان سلطان امیراحمد به سال ۱۲۸۰. علم و در اصلی فعلی بقعه جدیدند و به‌تربیت تاریخ ۱۳۸۳ و ۱۳۷۳ ش بر روی آنها درج شده است.

۳. مطالعه معماری بقعه و پیشنهادی برای سیر تحول آن

در ادامه مطالعات صورت‌گرفته، لازم است ترکیب کلی مجموعه و همچنین بنا و عناصر آن با نمونه‌های دیگر مقایسه شود. مجموعه بناهای مرتبط با بقعه سلطان امیراحمد در کنار گورستان بزرگی در همان محله ساخته شده‌اند (ت ۲۴). بقعه از طریق بخشی از کوچه سلطان امیراحمد، که هم‌اکنون نامش حنیف‌زاده است، و نیمه غربی آن، با نام کوچه زیارت، در

این قندیل را فخرالناصح محمد معصوم، نخرید و نفروشید و طمع‌کننده به غضب خدا گرفتار باد. سنه [۱۲۸۰]. قندیل مسی موجود در زیارتگاه که وقف امام حسین است، مؤید برگزاری آیین‌های عزاداری از قدیم الایام در این زیارتگاه است. این زیارتگاه مرکز هیئت احمدی کاشان است که از سال ۱۳۴۱ ش فعالیت رسمی دارد و در از آغاز تا بیستم محرم و ایام عزاداری ماه‌های صفر و رمضان در این مکان اقامه عزا و برخی شبها اطعام می‌کنند. این هیئت در شب شام غریبان در مجالس و محلات شهر دوره می‌روند و در روزهای تاسوعا و عاشورا به طرف بازار حرکت می‌کنند. بنابر نقل حسین معتمدی قبل از تأسیس رسمی، این هیئت به‌دنبال توغ قدیمی محل حرکت می‌کرده‌اند.^{۳۹} جالب اینکه در ماه شهریور نیز ده روز مجلس روضه‌خوانی برپا و در پایان اطعام می‌کنند.^{۴۰} علاوه‌براین، نمادی از دست‌بالفضل^(۴)



۳۹. حسین معتمدی، عزاداری سنتی شیعیان، ج ۱ (قم: عصر ظهور، ۱۳۷۸)، ۱۵۲.
۴۰. همان.

ت ۲۴. موقعیت بقعه سلطان امیراحمد به نسبت گورستان تاریخی و محله‌های همجوار، طرح: نگارندگان، روی نقشه بازسازی شده کاشان قدیم؛ مأخذ: مهندسان مشاور شهر و خانه بر اساس مطالعات ثریا بیرشک.



دسترس است (ت ۲۴). راستای دو معبر یادشده باید اصلی‌ترین راه دسترسی به بقعه تلقی شوند و امتداد راستای شرقی آنها به محله سرفره و دروازه لحر منتهی می‌شده است. همچنین باید در نظر داشت که بقعه در جنوب گورستان بزرگی قرار داشته و البته خود گورستان در انتهای گذر مهمی بوده که هم‌راستا با گذرهای حاج‌شیخ و خان است؛ پس بقعه از طریق راستای گذرهای یادشده به قلب شهر تاریخی متصل می‌شده است. همچنین گورستان بقعه را به محله سوربجان و سپس از طریق کوچه قاسم‌بیک به گذر محمدصالح‌بیک و سپس به گذر درب فین متصل می‌کرده است و از این طریق به دروازه فین راه می‌یافتند (ت ۲۴).

می‌رسد شکل منسجم‌تر و گسترده‌تر پنجه‌شاه باید ناشی از نزدیکی آن به هسته کهن و در عین حال تجاری و مدنی کاشان پیرامون مسجد جامع کهن و همچنین بازار تاریخی باشد. وجه تفاوت پنجه‌شاه با سلطان میراحمد در تعریف نقش شهری و فضاها و تمهیدات لازم برای ایفای همین نقش است و اینکه عناصر شهری پیرامون بقعه سلطان میراحمد کم‌شمارترند و از نظر کارکردی نیز گوناگونی کمتری دارند. در نمونه‌ای دیگر می‌توان عناصری چون زیارتگاه، گورستان، و گذر را در محدوده

این ساختار فضایی کلی شبیه نمونه‌های دیگری در کاشان است و از جمله با زیارتگاه پنجه‌شاه در محله‌ای به همین نام شباهت دارد. با وجود این در پنجه‌شاه، وجه شهری بقعه از طریق یک گذر مسقف و همچنین یک میدانچه یا صحن متأخرتر تعریف می‌شده است (ت ۲۵). پنجه‌شاه، گذر کاربری تجاری هم داشته، صحن به امور آیینی و فرهنگی و سپس حسینیه اختصاص یافته و سرایی در غرب مجموعه که پایین‌تر از سطح زمین بوده نیز احتمالاً به فعالیت‌های صنعتی و تولیدی و خدماتی مانند بهره‌گیری از آب اختصاص داشته است (ت ۲۵). به نظر

ت ۲۵ (بالا). مجموعه شهری پنجه‌شاه در عکس هوایی سال ۱۳۵۴، مأخذ: «مطالعه مرکز محله پنجه‌شاه کاشان با تاکید بر نقش زیارتگاه و عناصر معماری و شهری پیرامون»، محله کاشان‌شناسی، ش. ۲۴ (بهار و تابستان ۱۳۹۹): ۲۳.

ت ۲۶ (پایین). از سمت راست، مجموعه قدمگاه علی در عکس هوایی سال ۱۳۴۳؛ محدوده گورستان، زیارتگاه و گذر در محدوده قدمگاه علی در عکس هوایی سال ۱۳۳۵؛ پلان، نما و برش بنای گنبددار صالح‌آباد (قدمگاه علی)، مأخذ: جیحانی و مشهدی، «قدمگاه امام علی (ع)؛ در جستجوی تربت‌خانه ایلخانی کاشان»، مطالعات معماری ایران، ش. ۱۸ (پاییز و زمستان ۱۳۹۹): ۹۸.



۴۱. ضرابی، تاریخ کاشان، ۴۴۳.

۴۲. جیحانی و دیگران، «مطالعه مرکز محله پنجه‌شاه کاشان با تاکید بر نقش زیارتگاه و عناصر معماری و شهری پیرامون»، ۳-۲۸.

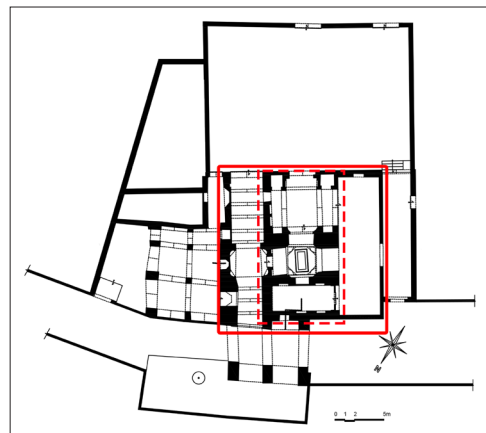
ت ۲۷ (راست). پلان وضع موجود بقعه پنجه شاه، نحوه اتصال گنبدخانه و ایوان و ساختار نه‌بخشی میانه آن؛ نام فضاها:

۱. فضای ورودی ۲. بقعه و ضریح
۳. ایوان ورودی بقعه
۴. صحن حیاط بقعه (حسینیه)
۵. مقبره خصوصی
۶. هشتی ورودی
۷. هشتی ورودی (اصلی)
۸. ایوان شمالی
۹. حجره
۱۰. مقبره
۱۱. بخش‌های باقی‌مانده قبرستان در صحن جانبی

۱۲. بخش الحاقی شبستان خانم‌ها
 ۱۳. آرامگاه آیت‌الله مدنی
- مأخذ: جیحانی و دیگران، «مطالعه مرکز محله پنجه‌شاه کاشان با تاکید بر نقش زیارتگاه و عناصر معماری و شهری پیرامون». مجله کاشان‌شناسی، ش. ۲۴ (بهار و تابستان ۱۳۹۹): ۱۱.

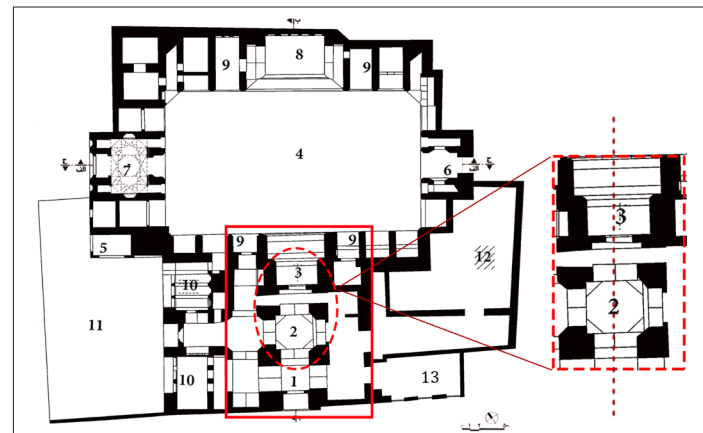
ت ۲۸ (چپ). پلان زیارتگاه غائب و ترکیب نه‌بخشی میانه آن، مأخذ: جیحانی و دیگران، «زیارتگاه غائب کاشان». مجله کاشان‌شناسی.

توجه شود. نحوه ترکیب گنبدخانه اصلی با رواق‌های اطراف در بقعه سلطان میراحمد و به‌خصوص نحوه ترکیب با ایوان نشان می‌دهد که بنا در طول زمان تغییر و تحولاتی داشته است. این موضوع در مورد پنجه‌شاه هم مصداق دارد؛ زیرا محور گنبدخانه اصلی با محور ایوان متصل به آن هم‌راستا نیستند، هرچند میزان این هم‌راستا نبودن اندک است (ت ۲۷). در این مورد باید توجه داشت که شکل ایوان پنجه‌شاه نیز نشان از آن دارد که فضای نیمه‌باز ایوان احتمالاً بعدها به فضای کوچک‌تر متصل به گنبدخانه الحاق شده است (ت ۲۷). به‌نظر می‌رسد پس از شکل گرفتن صحن در شمال بقعه پنجه‌شاه، تغییراتی به‌منظور اتصال بقعه به صحن صورت گرفته است. موضوع دیگر این‌که، یک پلان یا ساختار نه‌بخشی در بخش میانی بقعه پنجه‌شاه وجود دارد (ت ۲۷). این ساختار که نمونه‌های دیگری هم در زیارتگاه‌های کاشان دارد، در بقعه سلطان میراحمد نیز دیده می‌شود (ت ۳۲، ج). هرچند احتمالاً تغییرات قابل توجهی در آن صورت گرفته است. از بررسی همین ساختار نه‌بخشی و مقایسه آن با زیارتگاه پنجه‌شاه^{۴۲} نیز می‌توان نتیجه گرفت که گنبدخانه اصلی بقعه سلطان میراحمد، که بی‌شابهت به پنجه‌شاه نیست، باید کهن‌ترین بخش زیارتگاه باشد (ت ۳۲، الف) و بعدها



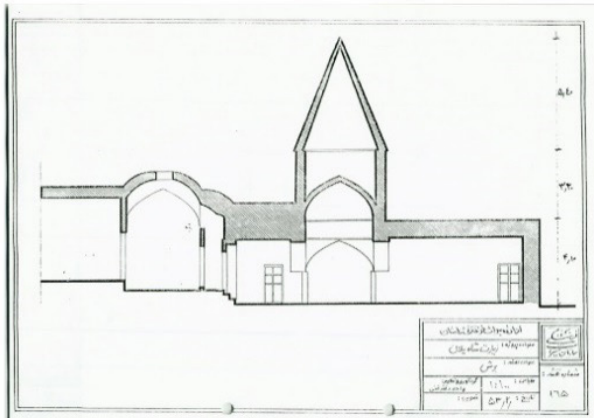
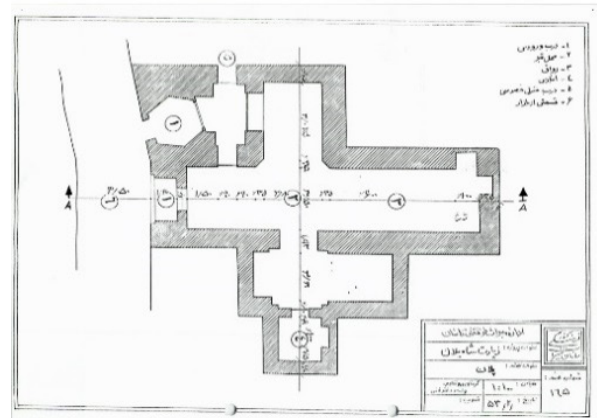
قدمگاه علی در کوچه مسجد شامخی مشاهده کرد (ت ۲۶) که جایی بیرون از حصار شهر بوده و چندان وجه تجاری نیافته است. در مجموعه قدمگاه علی، در کنار بنای کهن‌تر اوایل سده ۸ق، بنای زیارتگاه دیگری قابل مشاهده بوده است که می‌توان آن را منتسب به دوره صفوی و یا دست‌کم اواخر آن تصور کرد (ت ۲۶). بنای یادشده بر اساس شرح ضرابی زیارتگاهی معتبر در دوره قاجار بوده که در شمال گورستانی وسیع قرار داشته است.^{۴۱} بر اساس نیازهای زیارتگاهی، در جنوب بنای یادشده صحنی ساخته شده است که ممکن است هم‌زمان با بنای صفوی و یا پس از آن ساخته شده باشد. تفاوت عمده محدوده قدمگاه علی با پنجه‌شاه علاوه بر دور بودن از مرکزیت اقتصادی مدنی شهر، قرارگیری باغ‌های فراوان گرداگرد بقعه است که بنابر عکس‌های هوایی دهه ۱۳۴۰، در آن زمان قابل مشاهده بوده‌اند (ت ۲۶). این دو ویژگی در مورد زیارتگاه و مرکز محله سلطان میراحمد نیز مصداق دارد و مشاهده می‌شود که شکل معماری مجموعه قدمگاه علی (ت ۲۶) شباهت بیشتری با مجموعه سلطان میراحمد دارد.

برای تحلیل دقیق‌تری از نحوه شکل‌گیری و توسعه زیارتگاه سلطان میراحمد، لازم است به الگوی فضایی آن نیز



ترکیب فضایی رواق سمت شرق گنبدخانه می‌تواند تا حدودی یادآور این موضوع باشد (فضای ۲ در «ت ۳۲»). درحقیقت دو جرز طویل واقع در شمال می‌تواند نشانی از وجود همین عناصر پیرامون دیگر جهات گنبدخانه تلقی شود (ت ۳۲، ب). در این مورد می‌توان به پلان زیارتگاه شاه یلان یا سلطان یلمان کاشان رجوع کرد که نشانی از یک بقعه با جرزهایی پیرامون آن دارد که ساختی چهاربخشی یا چهارصفه‌ای را یادآور می‌شوند (ت ۲۹). نقشه سال ۱۳۵۳ش این زیارتگاه احتمالاً خود نشانگر وضعیتی در نتیجه برخی تغییرات بوده است. اما ساختاری در آن شناسایی می‌شود که احتمالاً طی دوره‌ای در زیارتگاه سلطان میراحمد نیز وجود داشته است (ت ۳۲، ب). ساخت زیارتگاه شاه یلان طبق بررسی انجام‌شده مندرج در پرونده ثبت به سده‌های ۸ تا ۱۰ق نسبت داده شده است.^{۴۴} باوجوداین قطعه کاشی زرین‌فام عمل سیدقطب‌الدین حسینی نشان می‌دهد که فردی که نام محمود بن کمال‌الدین در سال ۹۰۲ق فرش‌هایی را نذر این زیارتگاه کرده است (ت ۳۰، ۴۵). لذا زیارتگاه شاه یلان در سده نهم احتمالاً جایی معتبر برای نذورات بوده است. قرارگیری در کنار راسته بازار احتمالاً باعث شده تا این زیارتگاه تا نیمه سده حاضر، که نقشه‌اش در دست

چند فضای پیرامون آن با گنبدخانه ترکیبی نه‌بخشی را ایجاد کرده‌اند (ت ۳۲، ج). از این رو به نظر می‌رسد هم ایوان و هم حیاط در وضعیت مشابه وضعیت فعلی باید موضوعاتی متأخرتر از گنبدخانه و فضاهای بلافصل و متصل به آن باشند. نگاه دقیق‌تر به قدیمی‌ترین بخش‌های باقی‌مانده بنای سلطان میراحمد می‌تواند به درک بهتر از روند شکل‌گیری و تغییرات و تحولات آن کمک کند. بنابر محل قرارگیری و وضعیت و شکل، گنبدخانه زیارتگاه باید قدیمی‌ترین بخش بنا باشد (ت ۳۲، الف). مقایسه با نمونه‌هایی همچون گنبدخانه منفرد قدمگاه علی (پلان ت ۲۶) از ابتدای سده ۸ ق و شباهت آن با گنبدخانه بقعه پنجه‌شاه کاشان^{۴۳} این موضوع را تأیید می‌کند. دقت در پلان بقعه سلطان میراحمد و محدوده پیرامون گنبدخانه و به‌خصوص امتداد دو جرز کشیده در شمال گنبدخانه (ت ۳۲، ی) نشان از تغییراتی در فضای گنبدخانه و یا شکل بقعه در دوره‌ای متأخرتر و پس از گنبدخانه ساده اولیه دارد (ت ۳۲، الف). احتمالاً این دو جرز قابل توجه که هم‌اکنون نیز غرفه کوچکی در شمال گنبدخانه (فضای ۱۰ در «ت ۳۲») را شکل داده‌اند طولانی‌تر بوده و علاوه‌براین، در سه جهت دیگر فضای مرکزی نیز امتداد داشته‌اند (ت ۳۲، ب). دست‌کم



ت ۲۹
سمت راست: مقطع زیارتگاه شاه یلان، سمت چپ: پلان زیارتگاه شاه یلان در سال ۱۳۵۳، مأخذ: پرونده ثبت زیارت شاه یلان در فهرست آثار ملی با شماره ۱۳۶۵۴ و تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۸۴؛

ت ۳۰ (بالا). کاشی زیارتگاه شاه یلان، مأخذ:

O. Watson, *Persian Lustre Ware*, 133.

ت ۳۱ (پایین). پشت‌بام زیارتگاه سلطان میراحمد، عکس: ف. فرمانیان آرانی.



گنبدخانه و طاق‌های ۲ و ۳ و ۴ می‌تواند دربردارنده ردی از یک وضعیت اصیل در گذشته تلقی شود (ت ۳۲، ج)، درعین حال، به جای دو فضای کوچک ۱۰ و ۱۱ و جرز میان فضای ۱۰ و صفة بسیار کوچک واقع در شمال گنبدخانه، می‌توان ایوانچه ورودی اصلی فعلی بنا که متصل به رواق مردانه است و جرز میان آن و صفة واقع در شمال گنبدخانه را به یک وضعیت کهن‌تر نزدیک دانست (ت ۳۲، ی). درحقیقت این ترکیب اخیر از متناظر خود در سمت شمال شرق گنبدخانه که شامل دو فضای ۱۰ و ۱۱ است اصالت بیش‌تری را آشکار می‌کند.

برای درک بهتر وضعیت پیش‌گفته باید به نمونه‌های مشابه از بناهای زیارتگاهی در کاشان توجه کرد. یکی از این نمونه‌ها، زیارتگاه غایب در بیرون حصار تاریخی کاشان و در نزدیکی گورستان فیض است. بنا گنبدخانه‌ای در میانه دارد و دو فضا در دو سوی این گنبدخانه را نیز شامل می‌شود (ت ۲۸). ترکیب این سه فضا که در یک راستا و در امتداد همدیگر قرار گرفته‌اند با دو راستای دیگر فضاهای متوالی در دو سوی راستای دربردارنده گنبدخانه ترکیب و تکمیل می‌شود تا کل زیارتگاه

است، توسعه فیزیکی قابل توجهی نیابد. بنابراین پلان مندرج در نقشه سال ۱۳۵۳ش شاه یلان (ت ۲۹) می‌تواند توجیه‌کننده حضور جرزهایی پیرامون گنبدخانه سلطان میراحمد باشد که رد آنها دست‌کم در شمال گنبدخانه هنوز هم مشاهده می‌شود (ت ۳۲، ب). این موضوع می‌تواند نشانی از توسعه اولیه زیارتگاه سلطان میراحمد، پس از گنبدخانه ساده اولیه در حدود سده هشتم تا نهم هجری قمری باشد.

بررسی درون و پشت‌بام زیارتگاه سلطان میراحمد نشان می‌دهد که فضای شماره ۲ از «ت ۳۲، ی» از جمله کهن‌ترین بخش‌های بناست که در حال حاضر در هماهنگی با گنبدخانه اصلی آیینه‌کاری شده است؛ زیرا هم ارتفاع طاق آن در هماهنگی با گنبدخانه اصلی و گریو گنبد است و هم اندازه و شکل و بافت فضا نشان از قدمت بیشتر نسبت به طاق‌های دیگر دارد. دو فضای زیر طاق‌های شماره ۳ و ۴ نیز، هم به دلیل ارتفاع و هم آثار باقی‌مانده، باید کهن‌تر از سایر بخش‌های بنا باشند (ت ۳۲، ی). درعین حال دو فضا و طاق شماره ۵ و ۶ که متناظر طاق‌های ۲ و ۳ هستند، به دلایلی از جمله شکل کلی و ابعاد و اندازه و همچنین ارتفاعی که دارند، نباید هم‌دوره با گنبدخانه اصلی و دو طاق ۲ و ۳ تلقی شوند (ت ۳۲، ی)؛ زیرا شکل جدیدتری دارند و ارتفاعشان طوری است که بخشی از گریو گنبد رک را نیز پوشش داده‌اند (ت ۳۱). از سوی دیگر، بررسی فضای شماره ۱۰ نشان داده‌شده در «ت ۳۲، ی» نیز اهمیت دارد. مقایسه پایه شمال شرقی گنبدخانه که دیوار غربی آن فضاست و مقایسه آن با پایه متناظر دیگر نشان می‌دهد که بخشی از پایه مجاور فضای یادشده تراشیده شده تا آن فضا ارتباط میان گنبدخانه اصلی و فضای شماره ۹ در جنب ایوان اصلی را میسر کند. بنابراین هم فضای شماره ۱۰ و هم غلامگرد کوچک میان گنبدخانه و طاق شماره ۲ نباید به دوران اولیه ساخت بنا بازگردد (ت ۳۲، ی). بنابراین اگرچه ترکیب

بر اساس ساختاری نُه‌بخشی سازماندهی گردد (ت ۲۸). این بنا کتیبه‌ای از سال ۹۲۰ ق دارد که به ساخت و با احتمال بیشتر به تعمیر بنا اشاره دارد. پس این ساختار، که بخشی از آن تخریب شده است، ممکن است در دوره صفوی و یا پس از آن شکل گرفته باشد. نمونه اصیل‌تر این ترکیب نُه‌بخشی را باید در زیارتگاه پنجه‌شاه کاشان جستجو کرد (ت ۲۷). در این زیارتگاه نیز گنبدخانه در شکل اولیه‌اش باید فضایی مشابه با گنبدخانه مفرد قدمگاه علی باشد که احتمالاً ساختشان در سده‌های هفتم و هشتم در کاشان رواج داشته است (ت ۲۶). به نظر می‌رسد بقعه مختصر پنجه‌شاه که گنبدخانه‌ای مجزا بوده، بعدها گسترش یافته و ترکیبی نُه‌بخشی شامل ۸ طاق پیرامون یک گنبدخانه را شکل داده است (ت ۲۷). این موضوع باید در فاصله زمانی پس از سده هشتم و پیش از دوره قاجار رخ داده باشد؛ زیرا بنابر ترکیب قدمگاه علی، نمونه این گنبدهای منفک از محیط پیرامون (ت ۲۶) تا ابتدای سده هشتم در کاشان رواج داشته و همچنین شکل ایوان متصل به گنبدخانه در بقعه پنجه‌شاه نیز نشان می‌دهد (ت ۲۷) که ایوان یادشده طی دوره قاجار و در الحاق به فضایی قدیمی‌تر شکل گرفته است. این شکل نامعمول ایوان به نظر می‌رسد به شکل‌گیری صحن زیارتگاه پنجه‌شاه در دوره قاجار ارتباط داشته باشد و نتیجه تأثیرگذاری صورت‌های متأخرتر عزاداری بر فضاهای شهری باشد. بنابراین اگر محدوده‌ای در جنوب گنبدخانه را نیز همانند شمال آن تصور کنیم (ت ۲۷)، می‌توان احتمال داد که ترکیب نُه‌بخشی هسته توسعه‌یافته زیارتگاه پنجه‌شاه در سده‌های نهم تا دوازدهم شکل گرفته باشد.

این الگوی نُه‌بخشی و قرارگیری سه ردیف سه‌تایی از فضاهای متجانس با مرکزیت یک گنبدخانه را می‌توان با حذف عناصر و فضاهای متأخر از نقشه بقعه سلطان میراحمد و جانمایی فضاهای پیرامون گنبدخانه به صورت تصویری

بازسازی و بازنمایی کرد (ت ۳۲). این بازسازی تصویری هم با زیارتگاه غایب و هم با بقعه پنجه‌شاه کاشان هماهنگی دارد و دور از ذهن نیست. در بقعه سلطان میراحمد نیز ساخت ایوان احتمالاً با شکل‌گیری یک صحن شکیل، که محلی برای برگزاری مراسم آینی و از جمله عزاداری بوده، ارتباط دارد (ت ۳۲، و). پس تخریب بخش‌هایی از ترکیب نُه‌بخشی مورد نظر زمینه‌ساز شکل‌گیری ایوان و همچنین بروز برخی تغییرات و ساخت فضاهای شماره ۹ و ۱۰ و ۱۱ شده است (ت ۳۲، ه). بر این اساس شکل توسعه‌یافته بقعه پس از شکل‌گیری اولیه را می‌توان بنایی با ساختار نُه‌بخشی مشابه با زیارتگاه غایب و یا بخش میانی زیارتگاه پنجه‌شاه دانست (ت ۳۲، ج). در اینجا نیز تغییرات در جهت ایجاد ساختار نُه‌بخشی مورد نظر باید به پیش از دوره قاجار و همچنین زمان ساخت ایوان زیارتگاه مرتبط باشد و بنابر آثار باقی‌مانده می‌توان آن را به دوره صفوی نسبت داد. به نظر می‌رسد آن پنج در صفوی که پیش‌تر بررسی شدند، می‌توانند دلیلی بر تأیید توسعه یادشده دانسته شوند؛ زیرا ساختار یادشده قطعاً در میان یا حاشیه گورستان واقع شده و پیرامون آن فضای باز احاطه می‌کرده و در حدود نیمه اول سده دهم شکل زیارتگاه به ساختار نسبتاً مفصل‌تر نُه‌بخشی که وسیع‌تر از هسته اولیه بوده، تغییر یافته است (ت ۳۲، ج). این موضوع با توسعه بناهای پرشماری در دوره شاه طهماسب هماهنگی دارد. از سوی دیگر، استقرار یک دولت شیعی نیاز به توسعه فضاهای مذهبی مرتبط را تشدید می‌کرده است. از این رو به نظر می‌رسد گنبدخانه اولیه (ت ۳۲، الف) در نیمه اول سده دهم به بقعه توسعه‌یافته صفوی با ساختاری نُه‌بخشی تبدیل شده است (ت ۳۲، ج). بنابراین هم تشابهی میان شکل متأخر زیارتگاه سلطان میراحمد که در فاصله سده‌های ۹ تا ۱۲ ق بازپیرایی شده با زیارتگاه پنجه‌شاه وجود دارد و هم می‌توان سابقه پیش از سده ۹ و یا ۸ ق را برای زیارتگاه سلطان میراحمد متصور شد. در این

۴۳. همان.

۴۴. پرونده ثبت زیارت شاه یلان در فهرست آثار ملی ایران به شماره ۱۳۶۵۴ و تاریخ ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۸۴.

 45. O. Watson, *Persian Lustre Ware* (London: Faber and Faber, 1985), 133.

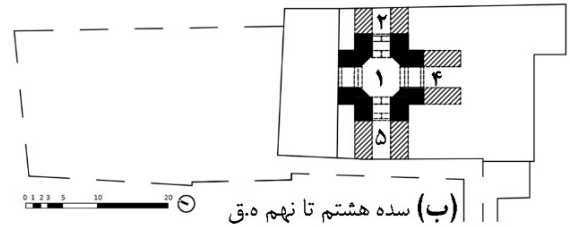
کهن‌تر باشد (ت ۱۱). به‌نظر می‌رسد یکی از علت‌های تخریب این بخش شمالی که زمینه‌ساز انجام تزیینات فوق‌الذکر و همچنین جای‌گیری کتیبه ۱۱۴۵ ق شده، ایجاد تغییراتی در نحوه ارتباط میان بقعه و محیط شهری پیرامون آن بوده باشد. به جای بخشی از بنا که در منتهی‌الیه شمالی بقعه صفوی بوده، ایوان و اتاقی برای ورود به بخش زنانه ساخته شده است (ت ۳۲، ه). اما موضوع مهم‌تر احتمالاً نیاز به تعریف جایگاه صحن به‌منظور برای انجام مراسم آیینی بوده است. پس با تخریب بخش شمالی بقعه، ایجاد ارتباط میان گذر اصلی متصل به در شرقی زیارتگاه به صحن فراهم شده است. اگر، بنا بر کتیبه ۱۱۴۵ ق، این اقدامات در جهت اتصال گذر به صحن زیارتگاه در نیمه اول سده ۱۲ ق صورت گرفته باشد، می‌توان دلیل و قرینه‌ای نیز برای آن یافت. بررسی توغ‌های منطقه کاشان نشان می‌دهد که تعداد قابل‌توجهی از آنها در دهه‌های اولیه سده یادشده ساخته شده‌اند و تاریخ‌های حدود ۱۲۰ ق در میان آنها پرشمار است.^{۴۸} این می‌تواند احتمالاً نشانی از میل به نوعی از عزاداری در فضاهای شهری و حرکت دسته‌جات عزاداری باشد که نیاز به توغ را هویدا می‌کند و درعین‌حال فضاهای باز و اتصال آنها را به گذرها اهمیت می‌بخشد.

از ایوان اولیه اطلاع دقیقی نداریم، اما وضعیت فعلی ایوان باید به سده ۱۳ ق بازگردد (ت ۳۲، و). با ساخت این ایوان سعی شده است تا بقعه و صحن ارتباط مشخص‌تری بیابند و بنابراین فضای نیمه‌باز ایوان به سوی غرب بقعه قدیمی رانده شده است. در وضعیت فعلی درون ایوان بنا دو درگاه مشاهده می‌شود (ت ۱۰) که انتهای دو راستا از مجموعه سهراستایی شمالی - جنوبی شکل‌دهنده ساختار نه‌بخشی بقعه دوره صفوی است (فضای ۷ در «ت ۳۲»، ی). به‌نظر می‌رسد درگاه ورودی اصلی فعلی بر روی بقایای یکی از طاق‌های ساختار نه‌گانه فوق‌الذکر در منتهی‌الیه شمال غربی بقعه ساخته شده باشد.

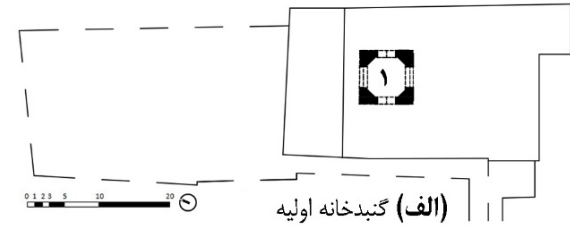
مورد هم کتیبه سنگ مزار سال ۵۸۵ (ت ۱۶) می‌تواند قرینه‌ای تلقی شود و هم گزارش نقل‌شده نراقی که از کاشی‌های دوره مغول در این زیارت خبر داده است.

کتیبه روی گریو گنبد زیارتگاه سلطان میراحمد که تاریخ ۹۴۱ ق دارد، حاکی از عمارت این گنبد عالی است (ت ۶). وجود دری قدیمی‌تر از این تاریخ و رجوع به سیر تحول زیارتگاه‌هایی همچون پنجه‌شاه^{۴۶} و قدمگاه علی^{۴۷} نشان از آن دارد که بنا و گنبد در سال یادشده تعمیر شده است. باوجود این اطلاع دقیقی از زمان ساخت گنبدخانه اولیه در دست نیست. با این حال بنای تعمیرشده و توسعه‌یافته در نیمه سده دهم، زیارتگاهی معتبر در این بخش از کاشان و در جوار گورستان بوده است. باید توجه داشت که بر اساس تحلیل شکل کلی بنای توسعه‌یافته در سده دهم و همچنین با توجه به نقصان آن در بخش شمالی بنا، می‌توان انجام تغییراتی در این بخش را مفروض دانست (ت ۳۲، ج - د)؛ زیرا بررسی نقشه بازسازی‌شده و رد برخی آثار، از جمله درگاه ورودی رواق مردانه، نشان می‌دهد که بخش وسیعی از ردیف شمالی متشکل از سه طاق واقع در شمال بقعه صفوی احتمالاً نه‌بخشی به‌دلایلی تخریب شده است (ت ۳۲، د). در این مورد می‌توان به بازسازی تصویری بقعه صفوی، پیش و پس از تخریب بخش یادشده توجه کرد (ت ۳۲، ج - و). این تخریب باید پیش از ساخت ایوان اصلی فعلی در سده ۱۳ ق صورت گرفته باشد (ت ۳۲، و)؛ زیرا بر روی ضخامت جرز که احتمالاً امتداد شمالی آن تخریب شده است، آثار کتیبه‌ای با تاریخ ۱۱۴۵ ق مشاهده می‌شود (ت ۱۱) که در آن به تعمیراتی زیر نظر محمدقاسم اشاره شده است. حتی ممکن است تاریخ تخریب لایه‌ای از بنای صفوی در منتهی‌الیه آن از این تاریخ قدیمی‌تر باشد؛ زیرا در کنار کتیبه تعمیرات محمدقاسم، بخشی از تزیینات نقش‌بسته روی نره جرز اصلی شمال غربی گنبدخانه نیز آشکار شده است که می‌توان احتمال داد از تاریخ ۱۱۴۵ ق

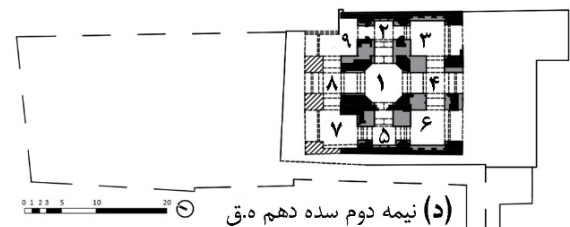
در هر صورت، سازندگان ایوان تلاش کرده‌اند تا دو درگاه متصل به رواق مردانه و یا رواق واقع در رواق غرب بنا و درگاه متصل به گنبدخانه را به‌طور متقارنی درون ایوان اصلی جانمایی کنند. اما وضعیت رواق فعلی متصل به درگاه ورودی



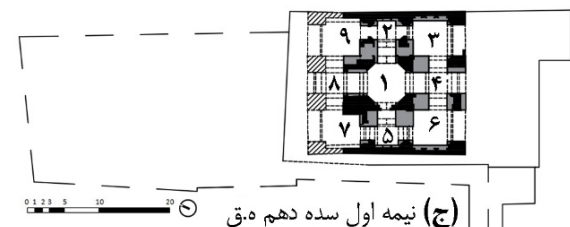
(ب) سده هشتم تا نهم ه.ق



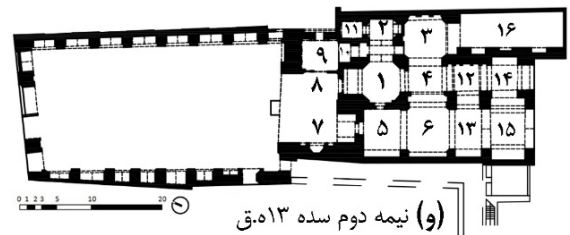
(الف) گنبدخانه اولیه



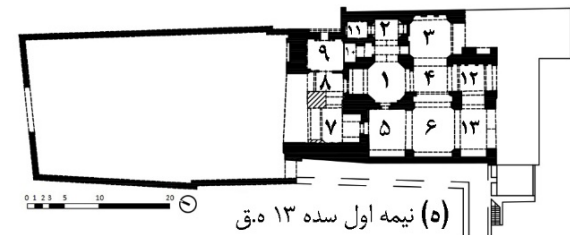
(د) نیمه دوم سده دهم ه.ق



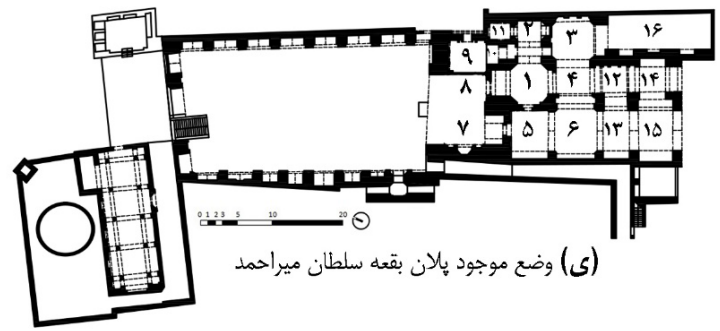
(ج) نیمه اول سده دهم ه.ق



(و) نیمه دوم سده ۱۳ ه.ق



(ه) نیمه اول سده ۱۳ ه.ق



(ی) وضع موجود پلان بقعه سلطان میراحمد

۴۶. جیحانی و دیگران، «مطالعه مرکز محله پنجه‌شاه کاشان با تاکید بر نقش زیارتگاه و عناصر معماری و شهری پیرامون»، ۳-۲۸.

۴۷. جیحانی و مشهدی، «قدمگاه امام علی (ع)؛ در جستجوی تربت‌خانه ایلخانی کاشان»، ۸۹-۱۱۲.

۴۸. محمد مشهدی، محمد خداداد، «توغ‌های نفیس و تاریخی شهرستان‌های کاشان، آران و بیدگل و نطنز»، مجله کاشان‌شناسی، ش. ۶ (بهار و تابستان ۱۳۹۴): ۱۴۰-۱۸۲.

ت ۳۲. مراحل شکل‌گیری پلان بقعه سلطان میراحمد از پیش از سده ۸ تا نیمه دوم سده ۱۳ ق و وضع حاضر، ترسیم: فریده فرمانیان آرانی، بر پایه: نقشه‌های الف تا د: نویسندگان؛ ه تا و: نویسندگان، بر اساس حاجی قاسمی، گنجنامه؛ ی: حاجی قاسمی، گنجنامه.

زمینه مطالعات و بررسی‌های بیشتر در زیر کف فعلی و جرزهای بخش‌های کهن‌تر پیرامون گنبدخانه را فراهم کند. هندسه نامنظم نقشه بنا، پایه‌های نامتقارن گنبدخانه با ضخامت‌های متفاوت و هم‌راستا نبودن محور میانی ایوان و گنبدخانه نشان می‌دهد که بنا در طول زمان دستخوش تغییراتی شده و به‌مرور توسعه یافته است. در ادامه، برای دستیابی به ساختار فضایی اصلی، بنای زیارتگاه و به‌خصوص پلان آن با نمونه‌های مشابه دیگر مقایسه شد تا طرح پیشنهادی هسته اولیه بازیابی و ترسیم شود. هسته اولیه بنای مورد نظر درون گورستان قدیمی شکل گرفته که در طول زمان توسعه یافته و از طریق گذرهای تاریخی به بافت تاریخی و همچنین دروازه‌های شهر (لتحر و درب فین) راه می‌یافته است. این ساختار کلی ترکیب زیارتگاه، گورستان، و گذر را با تفاوت جزئی در نمونه‌های دیگری در کاشان، از جمله زیارتگاه پنجه‌شاه در محله‌ای به همین نام و محدوده قدمگاه علی در کوچه مسجد شامخی، می‌توان مشاهده کرد. برای بیان تحلیل دقیق‌تری از نحوه شکل‌گیری و توسعه زیارتگاه سلطان میراحمد، الگوی فضایی پلان گنبدخانه منفرد قدمگاه علی و بقعه پنجه‌شاه و نحوه ترکیب گنبدخانه اصلی آن با رواق‌های اطراف، به‌خصوص نحوه ترکیب آن با ایوان بررسی شدند. همچنین وجود جرزهای طویل در شمال گنبدخانه سلطان میراحمد با شکل پلان زیارتگاه شاه یلان یا سلطان یلمان مقایسه شد و ردّ ساختاری چهارصفه‌ای در بنا آشکار شد. بر این اساس به‌نظر می‌رسد هسته دربرگیرنده گنبدخانه اصلی، که بی‌شابهت به پنجه‌شاه و قدمگاه علی نیست، باید کهن‌ترین بخش زیارت باشد. این هسته سپس از طریق افزوده‌های جزئی احتمالاً به شکل چهارصفه‌ای مشابه بنای شاه یلان درآمده است و سپس در نیمه اول سده ۱۰ق مجدداً توسعه یافته و با افزوده شدن چند فضای پیرامون گنبدخانه، ترکیبی نه‌بخشی مشابه با بنای پنجه‌شاه و زیارت غایب ایجاد شده که در آن

اصلی و ارتفاع آن (فضای ۵ و ۶ و ۱۳ در «ت ۳۲»، ه) نشان می‌دهد که این رواق در دوره‌ای متأخر و در زمان قاجار و یا بعد از آن ساخته شده است. پس رواق قدیمی‌تر که هماهنگ و احتمالاً هم‌عرض و اندازه رواق شرقی بوده (فضاهای ۲ و ۳ در «ت ۳۲»، د) تخریب شده و وضعیت فعلی، که طاق‌های عریض‌تر و بلندتری را شامل می‌شود، شکل گرفته است. به‌نظر می‌رسد در پی این تغییرات، کف بخش‌های وسیعی از بقعه تخریب شده و سنگ‌های قبر مرمری و کاشی‌های مزار هفت‌رنگ برای حفاظت به دیواره‌های وضعیت جدیدتر بقعه انتقال یافته‌اند (ت ۱۷ و ۱۸).

۴. نتیجه

این مقاله به‌منظور شناخت بنای امامزاده سلطان میراحمد و بررسی اجزا و عناصر معماری آن و همچنین پیشنهادی برای سیر تغییرات و تحولات آن تحقیق و تألیف شده است. در این پژوهش عناصر معماری بنا، از جمله گنبدخانه، رواق‌ها، درهای تاریخی، ایوان، گلدسته‌ها، و صحن، مطالعه شدند، همچنین کتیبه‌های روی درهای تاریخی، کاشی‌های منقوش صفوی، سنگ و لوح‌های قبر بررسی و بازخوانی شدند و خوانش‌های پیشین، به‌خصوص بر روی درهای تاریخی، که علی‌رغم وضوح، به‌اشتباه خوانده شده بودند، اصلاح شد. وجود درهای تاریخ‌دار متعدد متعلق به دوره صفوی از اهمیت این بنا در آن دوره خبر می‌دهند. قدیمی‌ترین تاریخ بنا ۹۲۳ق بر روی کتیبه به‌جامانده از یک در چوبی و تاریخ‌هایی در همین حدود در چند جفت در چوبی و کتیبه کاشی‌گنبد دیده می‌شود. وجود کتیبه سنگ مزار سال ۵۸۵ق و گزارش نقل‌شده از سوی نراقی از کاشی‌های دوره مغول در این زیارت می‌تواند قرینه‌ای برای قدمت بیشتر بنا تلقی شود. باوجود این، مطالعه بقعه نشان داد که بررسی شکل و الگوی فضاها نیز می‌تواند ردی از شکل گذشته بنا را آشکار کند و

بنا تکامل یافته و سپس بنا با تغییراتی بسیار جزئی به صورت امروزی درآمده است. این پژوهش عمدتاً بر پایه مطالعه آثار باقی مانده از دوران‌های مختلف بنا صورت گرفته است و درعین حال نیازمند تداوم این بررسی‌ها در لایه‌های درونی‌تر اثر، از جمله زیر کف فعلی و نحوه اتصال جرزهای پیرامون گنبدخانه اصلی و نواحی اطراف آن، است و بنابراین بیش از هر چیز باید پیشنهادهایی برای مطالعات ضروری یادشده تلقی شود.

References

- Aboulfazli, Mohammad. "The Plan of Sultan Mir-Ahmad Tomb in Kashan". National Organization for Conservation of Historic Monuments of Iran, Technical Office of Kashan, 1974. (In Persian)
- Azam Vaqefi, SeyyedHussein. *Natanz Cultural Heritage*. Tehran: Society for the National Heritage of Iran, 2007. (In Persian)
- Birashk, Soraya. "How the Process of Development and Evolution of the Formation of Kashan City in the Context of History". in *Proceedings of the Congress of the History of Architecture and Urban Planning of Iran*, vol. III. Tehran: Cultural Heritage Organization, 1996, 379-399. (In Persian)
- Ghazbanpour, Jasem. "Aerial Photograph of the Sultan Mir-Ahmad Neighborhood". Urban Development and Revitalization Organization, 1991. (In Persian)
- Haji-Qasemi, Kambiz. *Ganjnameh: Cyclopaedia of Iranian Islamic Architectural, Volume 12 Imamzadehs and Mausoleum (Part II)*. Tehran: Shahid Beheshti University Press, 2010. (In Persian)
- Iran Cultural Heritage Organization. "Pictures Attached to the Registration File of Sultan Mir Ahmad Tomb". June 21, 1942". (In Persian)
- Iran Cultural Heritage Organization. "The Boqa of Shah Yalan's File Endorsed in Iran's National Heritage List: No. 13654". November 6, 2005. (In Persian)
- Iran Cultural Heritage Organization. "The Sultan Mir-Ahmad Shrine's File Endorsed in Iran's National Heritage List: No. 352". June 21, 1942. (In Persian)
- Iran Cultural Heritage Organization. "A Descriptive Report of Sultan Amir Ahmad's Pilgrimage", in <https://sinapress.ir/news/39194/>
- Iran National Cartographic Center. "Aerial Photographs of Kashan". Iran, 1956.
- Jayhani, H., M. Mashhadi Nooshabadi, and S. Aghabeigi. "A Study of Architecture and the Historical Evolution of Ghāyeb Shrine in Kashan". *Kashan Studies*, no. 28 (2022): 2-34. (In

گنبدخانه در میان هشت طاق پیرامونی قرار داشته است. در ادامه و با اهمیت یافتن صحن بنا در اوایل سده ۱۲ق ساختار آن طوری تغییر کرده که ایوان و صحن به بخش مهمی از بقعه تبدیل شوند. در همین دوره برخی رواق‌های پیرامون گنبدخانه تخریب و به صورت جدیدی بازسازی شده‌اند. در ادامه و در نیمه دوم سده ۱۳ق افزوده‌های قاجاری، از جمله تزیینات ایوان و کاشی کاری پیشانی آن، به صورت کامل شکل گرفته و صحن

- Persian)
- Jayhani, H., M. Mashhadi Nooshabadi, H. Oveisi, and A. Zilochian. "A Study on Panjeh Shah Neighborhood Center in Kashan with an Emphasis on the Role of the Shrine and the Surrounding Architectural and Urban Elements". *Kashan Studies*, no. 24 (2020): 3-28. (In Persian)
- Kalantar Zarrabi, A. (Soheil Kashani). *History of Kashan (Mirat al-Qāsān)*. Edited by Iraj Afshar. Tehran: AmirKabir, 1999. (In Persian)
- Mashhadi Noushabadi, M. and H. Jayhani. "Ghadamgāh-i Imam Ali; In Search of Ilkhanid Turbatkhāneh of Kashan". *Iranian Architectural Studies*, no. 18 (2020): 89-112. (In Persian)
- Mashhadi Nooshabadi, M. and M. Khodadad. "Structural and Symbolic Features of Iranian Toq". *Kashan Studies*, no. 14 (2015): 140-182. (In Persian)
- Meshkooti, Nosratolah. *List of Historical Buildings and Archaeological Sites in Iran*. Tehran: National Organization for Conservation of Historic Monuments of Iran (Ministry of Culture and Art), 1970. (In Persian)
- Motamedi, H. *Traditional Mourning Rituals of Shi'ayan*, vol. 1. Qom: Asr-e Zohour, 1999. (In Persian)
- Naraqi, Hassan. "Historic Building of Telegraph Office". *Honar va Mardom*, no. 29 (1964): 21-25. (In Persian)
- Naraqi, Hassan. *Historical Monuments of Kashan and Natanz*. Tehran: Association of Cultural Works and Honors, 2003. (In Persian)
- SAKMA (<https://www.nlai.ir>). 429549 (Document No.).
- Shar va Khaneh Consulting Engineers. *The Reconstructed Plan of the Old Kashan*, based on studies by Soraya Birashk. Isfahan, 1995. (In Persian)
- Sharif, A. *A Guide to Historical Monuments and Buildings of Kashan*. Kashan: Culture and Art Office, 1971. (In Persian)
- Watson, Oliver. *Persian Lustre Ware*. London: Faber and Faber, 1985.